

18-189

1A-1A9

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 18

Date of filing: 7 NOV 86

\*\* AWARD - Type of Award Final  
- Date of Award 11. OCT 86  
\_\_\_\_\_ pages in English 55 pages in Farsi

\*\* DECISION - Date of Decision \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* CONCURRING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* SEPARATE OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* DISSENTING OPINION of \_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

\*\* OTHER; Nature of document: \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
- Date \_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_ pages in English \_\_\_\_\_ pages in Farsi

پرونده شماره ۱۸

شعبه یک

حکم شماره ۱-۱۸-۲۶۰

English version Filed on <u>13 OCT 1986</u> <u>۱۳۹۵/۷/۲۱</u> نسخه انگلیسی در تاریخ ثبت شده است.
---

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داری دعوی ایران-ایالات متحده
<b>ثبت شد - FILED</b>	
Date	7 NOV 1986 تاریخ
	۱۳۹۵ / ۸ / ۱۶
No.	18 شماره

DUPLICATE ORIGINAL نسخه برابر اصل
---

پپسی کو، اینک . .

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

بنیاد مستضعفان،

شرکت نوشابه سازی زمزم آذربایجان،

شرکت نوشابه سازی زمزم شرق تهران،

شرکت نوشابه سازی زمزم اصفهان،

شرکت نوشابه سازی زمزم گرگان،

شرکت نوشابه سازی زمزم کرمان،

شرکت نوشابه سازی زمزم کرمانشاه،

شرکت نوشابه سازی زمزم خوزستان،

شرکت نوشابه سازی زمزم مشهد،

شرکت نوشابه سازی زمزم رشت،

شرکت نوشابه سازی زمزم شیراز،

شرکت نوشابه سازی زمزم تهران،

خواندگان.

حکم

حاضران:

از جانب خواهان: آقای ای. آر. لیبی،  
وکیل خواهان  
آقای اف. مک رابی،  
آقای اچ. ساسین،  
نمایندگان خواهان

از جانب خواندگان: آقای محمد کریم اشراق،  
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران  
آقای مجتبی کزازی،  
مشاور حقوقی نماینده رابط  
آقای م. مددی،  
نماینده بنیاد مستضعفان  
آقای م. ر. منتظری،  
آقای م. شاهوردی،  
نمایندگان شرکتهای نوشابه سازی زمزم

سایر حاضران: آقای جان کروک،  
نماینده رابط ایالات متحده امریکا  
آقای دانیل پرایس،  
مشاور نماینده رابط.

---

ادعاهای پرونده حاضر از معاملات فیما بین خواهان پیسی کو، اینک. ("پیسی کو") و یازده شرکت نوشابه سازی ایرانی ناشی می شود که عناوین شرکتی همگی آنها شامل کلمه "زمزم" است. این یازده شرکت مشخصاً عبارتند از: شرکت نوشابه سازی زمزم آذربایجان، شرکت نوشابه سازی زمزم شرق تهران، شرکت نوشابه سازی زمزم اصفهان، شرکت نوشابه سازی زمزم گرگان، شرکت نوشابه سازی زمزم کرمان، شرکت نوشابه سازی زمزم کرمانشاه، شرکت نوشابه سازی زمزم خوزستان، شرکت نوشابه سازی زمزم مشهد، شرکت نوشابه سازی زمزم رشت، شرکت نوشابه سازی زمزم شیراز، شرکت نوشابه سازی زمزم تهران. (این یازده شرکت، در این حکم مجموعاً "شرکتهای زمزم نامیده می شوند).

ادعاهای این پرونده دو نوعند. پیسی کو خواستار پرداخت مبلغ ۳،۳۴۸،۰۰۰ دلار حسابهای دریافتنی بابت عصاره نوشابه پیسی کولاست که حسب ادعا به کلیه شرکتهای زمزم، غیر از شرکت نوشابه سازی زمزم کرمان، فروخته و تحویل داده است. (ده شرکتی که ادعای پرداخت حسابهای دریافتنی علیه آنها مطرح گردیده، در ذیل شرکتهای زمزم خریدار خوانده می شوند). علاوه براین، پیسی کو خواستار بازپرداخت وامهایی مجموعاً به مبلغ ۶،۵۰۰،۰۰۰ دلار است که حسب ادعا به کلیه شرکتهای زمزم غیر از شرکت نوشابه سازی زمزم تهران پرداخته است. (با توجه به نظر دیوان راجع به ادعای مربوط به بازپرداخت وامها به ده شرکتی که ادعاهایی جهت استرداد وامها علیه آنها مطرح شده، "شرکتهای زمزم وام گیرنده" نامیده می شوند).

پیسی کو اظهار می دارد که دولت جمهوری اسلامی ایران و بنیاد مستضعفان و نیز شرکتهای زمزم مربوطه، منفرداً و مجتمعاً بابت ادعاهای مطروحه مسئولند.

شرکتهای زمزم ادعاهای متقابلی مطرح ساخته و خواستار مبالغی هستند که حسب ادعا

در فروش عصاره پپسی به آنها اجحاف شده است. (۱)

## اول - واقعیات و اظهارات

### ۱ - صلاحیت

پپسی کو اظهار می نماید که تبعه ایالات متحده است. خواندگان عبارتند از دولت جمهوری اسلامی ایران، بنیاد مستضعفان و شرکتهای زمزم. خواهان اظهار می دارد که بنیاد مستضعفان، واحد تحت کنترل دولت ایرانست. نامبرده همچنین می گوید که بنیاد یاد شده در اجرای دستورات دولت، سهام شرکتهای زمزم را در اختیار گرفته و دولت از طریق بنیاد مستضعفان به صورت بالفعل همچنان شرکتهای مزبور را کنترل می کند.

بدوا<sup>۱</sup> خواهان پرداخت مبلغ ۳،۳۴۸،۰۰۰ دلار بابت عصاره پپسی کولا را با طرح ادعای مستقیمی بر مبنای ترتیبات قراردادی با شرکتهای زمزم خریدار مطالبه کرده بود. بعداً<sup>۲</sup>، نامبرده ادعای مزبور را به عنوان ادعای غیرمستقیم از جانب دو شرکت پپسی کولا مینیوفاکچرینگ (ایرلند) لیمیتد ("پپسی کو ایرلند") و پپسی کولا مینیوفاکچرینگ کامپنی، اینک. ("پپسی کو پورتوریکو") مطرح ساخت که حسب ادعا شرکتهای فرعی تماماً متعلق به خواهان بوده و به ترتیب، در ایرلند و ایالت دله ور، تاسیس یافته اند. سپس خواهان اظهار داشت که در مارس ۱۹۷۹، حسابهای دریافتنی دو شرکت فرعی اش به وی واگذار شد و لذا نامبرده حق داشته که این حسابها را اصالتاً نیز ادعا نماید.

---

(۱) شرکتهای زمزم خریدار، همچنین ادعای متقابلی جهت پنج درصد قیمت عصاره فروخته شده که حسب ادعا بابت "کمک به تبلیغات" واجب الادا بوده مطرح نموده بودند. دیوان داوری، طی دستوری که در ۷ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۷ خرداد ماه ۱۳۶۳) ثبت شده مقرر نمود که با توجه به اینکه ادعای متقابل مزبور در مرحله پیشرفته‌ای از رسیدگیها اقامه شده، پذیرفته نشود.

خواندگان تعدادی ایرادات صلاحیتی مطرح ساخته اند. آنان استدلال می کنند که خواهان دلایل کافی مبنی بر تابعیت امریکایی اش، طبق الزامات بیانیه حل و فصل دعاوی ارائه نکرده است. خواندگان منکر آنند که بنیاد مستضعفان واحد تحت کنترل دولت ایرانست، بلکه اظهار می دارند که بنیاد مذکور یک سازمان خصوصی خیریه و دارای شخصیت حقوقی مستقلی است. آنان، همچنین منکر آنند که شرکتهای زمزم به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، تحت کنترل بنیاد مستضعفان هستند. به عکس ایشان اظهار می نمایند که شرکتهای مزبور، شرکتهای تجاری خصوصی با شخصیت حقوقی مستقلی هستند که بنیاد در آنها فقط به عنوان یک سهامدار عادی عمل می کند. خواندگان استدلال می کنند که هرگونه کنترلی از جانب بنیاد بر شرکتهای زمزم آنچنان غیرمستقیم است که الزامات بند ۳ ماده هفت را تحقق نمی بخشد. بعلاوه ایشان می گویند "با توجه به اینکه محل اجرای قراردادهای مورد استناد خواهان ایران است و قراردادهای عملاً نیز در ایران اجرا شده"، لذا اختلافات مربوط به اجرای آنها تنها در حیطه صلاحیت دادگاههای ایرانست.

شرکتهای زمزم منکر آنند که خواهان حق داشته از جانب پیسی کو ایرلند و پیسی کو پورتوریکو بابت پرداخت قیمت عصاره طرح دعوی کند، چه به نظر آنان خواهان، مالکیت خود بر این دو شرکت را ثابت نکرده است. شرکتهای زمزم، همچنین منکر آنند که خواهان می تواند ادعای مستقیمی را مطرح سازد. آنان استدلال می کنند که کلیه معاملات مستقیماً بین ایشان و پیسی کو ایرلند و پیسی کو پورتوریکو انجام گرفته است. در رابطه با واگذاری ادعایی حسابها، شرکتهای زمزم می گویند که این واگذاریها فقط شامل بخشی از ادعاست و به هر صورت، به علت اینکه در چنین مرحله پیشرفته‌ای از رسیدگیها مطرح شده‌اند، دیوان نباید آنها را مد نظر قرار دهد.

در ارتباط با ادعای بازپرداخت وامها، خواندگان ایرادات صلاحیتی مشابه ایرادات به

ادعای حسابهای دریافتنی را مطرح ساخته‌اند. آنان مضافاً استدلال می‌کنند که ادعای بازپرداخت وامها در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹)، به شرح مقرر در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی پابرجا نبوده، چه حال کردن ادعایی وامها موجه نبوده و بازپرداخت تا ۱۵ مه ۱۹۸۲ (۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) واجب‌الادا نمی‌شده است.

## ۲ - اصل دعوی

### الف - ادعای حسابهای دریافتنی

خواهان اظهار می‌دارد که در سال ۱۹۵۵، نامبرده و شرکتی که در آن موقع نوشابه سازی زمزم ایران ("زمزم ایران") نامیده می‌شده، یک قرارداد نمایندگی انحصاری نوشابه سازی منعقد ساختند. به موجب این نمایندگی، خواهان حق انحصاری خرید، تولید، فروش و توزیع پپسی کولا در داخل ایران را به زمزم ایران واگذار کرد. خواهان و زمزم ایران، طبق این قرارداد نمایندگی تا سال ۱۹۷۷ فعالیت کردند. در سال ۱۹۷۷ یازده کارخانه نوشابه سازی منطقه‌ای، یعنی همان شرکتهای زمزم، در شهرهای مختلف ایران تاسیس شد، و در اول مارس ۱۹۷۷ (۱۰ اسفند ماه ۱۳۵۵)، خواهان با هریک از این شرکتهای قرارداد نمایندگی انحصاری نوشابه سازی ("قرارداد نمایندگی") منعقد نمود. به موجب این قراردادها، شرکتهای زمزم حق انحصاری خرید عصاره و تهیه نوشابه، فروش و توزیع پپسی کولا در مناطق تعیین شده را به دست آوردند. آنان متعهد شدند که الزامات بهداشتی و غیره مربوط به تولید، فروش و بازاریابی پپسی کولا را رعایت نمایند و خواهان نیز متعهد شد که در این کار به آنها یاری کند. به ویژه در هر قرارداد نمایندگی مقرر شد که خواهان عصاره پپسی کولا را به هر یک از شرکتهای زمزم "خواهد فروخت یا موجبات فروش آن را از طریق یکی از شرکتهای فرعی خود (که از این پس در

این حکم فروشنده نامیده می شود) فراهم خواهد ساخت" و شرکت زمزم این عصاره پپسی کولا را "به قیمتی که هر چند وقت یکبار توسط فروشنده تعیین می شود" از خواهان یا فروشنده خریداری خواهد کرد. شرکت زمزم "بهای هر سفارش را تماما" و بلافاصله پس از تحویل گرفتن کالا و یا طبق شرایط دیگری که [خواهان] یا فروشنده تعیین می کند، می پردازد".

خواهان اظهار می دارد که در طول دوره ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۹ هریک از شرکتهای زمزم خریدار، عصاره پپسی کولا به پپسی کو ایرلند و پپسی کو پرتوریکو سفارش داده، و آنرا دریافت نمودند و قیمت مورد توافق کلیه این محمولات بالغ بر ۳،۳۴۸،۰۰۰ دلار گردید. خواهان می گوید که شرکتهای زمزم خریدار، این محمولات را دریافت کردند ولی مبلغ ۳،۳۴۸،۰۰۰ دلار را پرداخت نکردند. خواهان روش های معمول در ارسال عصاره و پرداخت قیمت آن پس از دریافت سفارش از شرکت زمزم خریدار را شرح داده است. نامبرده، همچنین مدارکی را در مورد ارائه پیشنهاد و قبول فروش و حمل عصاره، همراه با نمونه های براتها و دستورات دریافت پول که به بانک صادرات فرستاده شده، تسلیم نموده است. در جریان رسیدگیهای شفاهی، نماینده شرکتهای زمزم خریدار تایید کرد که اختلافی در مورد دریافت کالا وجود ندارد، بلکه اختلاف برسر قیمتی است که باید پرداخت شود. خواهان گرچه بروات به مبلغ کل ۳،۳۴۸،۰۰۰ دلار را به عنوان مدرک ادعای خویش، و به منظور محاسبه سررسیدهای مربوطه آنها مورد استناد قرار داده، با اینحال ادعای خود را نه بر مبنای این بروات، بلکه بر مبنای قراردادهای نمایندگی و ارسال عصاره و دریافت آن توسط شرکتهای زمزم خریدار، استوار می سازد.

کل مبلغ ادعا بابت قیمت عصاره پپسی کولا که حسب ادعا پرداخت نشده، ۳،۳۴۸،۰۰۰ دلار است. خواهان از هر یک از ده شرکت زمزم خریدار بخشی از این مبلغ را که معادل قیمت عصاره ای است که به آن شرکت ارسال و توسط آن دریافت شده، مطالبه



می‌کند. از آنجا که دولت ایران و بنیاد مستضعفان، حسب ادعا شرکتهای زمزم را مصادره کرده‌اند، خواهان آنها را همراه با ده شرکت زمزم خریدار منفردا" و مجتمعا" بابت هر بخش از این ادعا مسئول می‌شناسد.

خواهان می‌گوید که در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) اطلاعیه‌ای به هر یک از شرکتهای زمزم ارسال و پرداخت قیمت عصاره را تقاضا نمود. خواهان اظهار می‌دارد که آقای طباطبایی، مدیر عامل شرکت زمزم تهران و رئیس هیات مدیره کلیه شرکتهای زمزم دیگر، که توسط بنیاد مستضعفان منصوب شده، در نامه مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ (۲۵ دی ماه ۱۳۵۸) تعهد شرکتهای زمزم مبنی بر پرداخت کل قیمت عصاره به مبلغ ۳،۳۴۸،۰۰۰ دلار را تصدیق نمود. خواهان مضافاً اظهار می‌دارد که در طول جلسات ملاقات در اواخر سال ۱۹۷۹ و سال ۱۹۸۰، بنیاد مستضعفان نیز معتبر بودن این ادعا را مورد تصدیق قرار داد.

خواهان خواستار بهره بابت مبلغ هر برات از تاریخ سر رسید آن تا تاریخ پرداخت مبلغ حکم است.

شرکتهای زمزم خریدار اظهار می‌دارند که بروات حاوی مبالغ مورد ادعا هرگز توسط آنان مورد قبول قرار نگرفته و برخی تشریفات مقرر کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنوه انجام نشده است. بعلاوه ایشان اظهار می‌نمایند که نامه های مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) که ضمن آن پرداخت قیمت عصاره تقاضا شده، به شرکتهای زمزم مربوطه ارسال و یا توسط آنها دریافت نشده است. بلکه این نامه ها خطاب به هر یک از ده شرکت زمزم خریدار بوده با ذکر عبارت قابل توجه آقای ایرج ثابت، رئیس هیات مدیره هر یک از شرکتهای مزبور، و به نشانی وی در پاریس ارسال شده است. علاوه براین، شرکتهای زمزم خریدار ادعا می‌کنند که خواهان از سال ۱۹۷۴ بابت خریدهای

عصاره، به میزان صددرصد به آنها گران فروشی کرده و بنابراین هر مبلغی که احیانا" به خواهان بدهکار باشند باید با این مبالغ اجحاف شده تهاتر شود. خواهان منکر این ادعا است. شرکت‌های زمزم خریدار، مضافاً استدلال می‌کنند که به هر صورت آنان نمی‌توانستند پرداختی بابت عصاره به عمل آورند، زیرا دستور اجرایی شماره ۱۲۱۷۰ صادره توسط رئیس جمهوری ایالات متحده در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۳ آبان ماه ۱۳۵۸) شرایط فورس ماژور ایجاد و خواندگان را دچار مضیقه دلاری نمود.

در مورد قبولی تعهد پرداخت توسط شرکت‌های زمزم خریدار بابت عصاره که در نامه مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ (۲۵ دی ماه ۱۳۵۸) آقای طباطبایی ابراز گردیده، شرکت‌های مزبور اظهار می‌دارند که این مطلب نمی‌تواند مورد استناد قرار گیرد، به این دلیل که نامه مزبور در طول مذاکرات حل و فصل فیما بین طرفین ارسال شده و به علاوه دارای نواقص تشریفاتی بوده است.

شرکت‌های زمزم خریدار استدلال می‌کنند که چون هیچ شرطی ناظر بر پرداخت بهره‌دربراتها وجود ندارد، طبق کنوانسیون ژنو، حکم به بهره نباید داده شود. نامبردگان همچنین می‌گویند که قراردادهای فیما بین طرفین شامل هیچ شرطی در مورد بهره نیست.

دولت ایران و بنیاد مستضعفان منکر هرگونه مسئولیتی بابت پرداخت بهای عصاره می‌باشند.

#### ب) ادعای بازپرداخت وامها

خواهان، همچنین جمعا" مبلغ ۶،۵۰۰،۰۰۰ دلار بعنوان بازپرداخت وام‌هایی که به شرکت‌های زمزم وام گیرنده داده، مطالبه می‌نماید.

خواهان اظهار می نماید که در سال ۱۹۷۷ نامبرده وامی به مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار در اختیار هر یک از شرکتهای زمزم، غیر از زمزم تهران، گذارد که می بایست جهت بهبود کارخانه ها، ایجاد سرمایه جاری و پرداخت برخی دیون مربوط به خرید عصاره و ایفای تعهدات مختلف دیگر، مصرف شود. طبق اظهار خواهان، وامها در سه گروه مدرک منعکس شده است: قرارداد اصلی بین پیسی کو، هریک از ده شرکت زمزم وام گیرنده، سهامداران و سه نفر ضامن خصوصی، ده فقره قرارداد وام جداگانه بین پیسی کو و هر یک از ده شرکت زمزم وام گیرنده که منضم به قرارداد اصلی بوده، و بالاخره ده فقره سفته قابل پرداخت به پیسی کو به امضای هر یک از ده شرکت زمزم وام گیرنده، که آنها نیز به عنوان ضمیمه به قرارداد اصلی منضم بوده است. خواهان استدلال می نماید که قید ویژه انتخاب قانون مندرج در این مدارک مقرر می دارد که قانون نیویورک، قانون حاکم بوده، و طبق قوانین نیویورک، مدارک یاد شده موافقت نامه واحدی را تشکیل می دهند.

در قرارداد اصلی که در ۱۶ ژوئن ۱۹۷۷ (۲۶ خرداد ماه ۱۳۵۶) امضاء شد، مقرر شده که مادام که پاره ای شرایط قبلی تحقق نیافته، پیسی کو ملزم به پرداخت وامها نیست. خواهان اظهار می دارد که کلیه این شرایط ایفاء گردیده و سپس وامها پرداخت شده است. خواهان، مضافاً ادعا می نماید که طبق قرارداد اصلی شرکتهای زمزم وام گیرنده ملزم بودند که پس از دریافت وامها نیز پاره ای الزامات را رعایت نمایند و چنانچه این الزامات رعایت نشوند خواهان حق داشت هر یک از سفته ها یا کلیه آنها را حال کند.

خواهان می گوید که قرارداد های وام که آنها نیز در ۱۶ ژوئن ۱۹۷۷ (۲۶ خرداد ماه ۱۳۵۶) امضاء شد، هریک از ده شرکت زمزم وام گیرنده را ملزم می ساخت که بعضی شرایط مالی و تولید را رعایت کنند، و نقض هر یک از این شرایط توسط هر یک از شرکتهای زمزم وام گیرنده به خواهان حق می داد که سفته ها را حال کند، به نحوی که

ده روز پس از تسلیم اطلاعیه کتبی به طرف دیگر و تایید به وسیله تلکس، قابل پرداخت و واجب الادا باشند. در غیراینصورت به موجب موافقت نامه های وام، سررسید وامها ۱۵ مه ۱۹۸۲ (۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) بود و بهره ای بدان تعلق نمی گرفت، مگر آنکه وامها در سررسید خود بازپرداخت نمی شدند و یا پیش از سررسید حال می شدند.

خواهان اظهار می دارد که کلیه سفته های دهگانه در تاریخ ۱۵ مه ۱۹۷۷ (۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶) توسط ایرج ثابت، به عنوان رئیس هیات مدیره هر یک از شرکتهای زمزم، امضاء گردیده و هر یک از شرکتهای وام گیرنده دهگانه را ملزم ساخت که در تاریخ ۱۵ مه ۱۹۸۲ (۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار را به خواهان بازپرداخت نمایند. سفته ها شامل تضمین اضافی و مستقل و شخصی حبیب ثابت، ایرج ثابت و هرمز ثابت مبنی بر بازپرداخت وامها بود که از نظر خواهان تاثیری بر تعهد اصلی ده شرکت زمزم وام گیرنده طبق قرارداد ها، نداشته است.

خواهان اظهار می نماید که وی مبالغ وام را به ترتیب در تاریخهای ۲ ژوئن ۱۹۷۷ (۱۲ خرداد ماه ۱۳۵۶)، ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۷ (۲۴ تیر ماه ۱۳۵۶) و دوم اوت ۱۹۷۷ (۱۱ مرداد ماه ۱۳۵۶) به حسابهای هر یک از ده شرکت زمزم وام گیرنده منتقل ساخت و وامها توسط این شرکتهای دریافت گردید.

خواهان اظهار می نماید که از اوت ۱۹۷۷، شرکتهای زمزم الزامات کنترل کیفیت کالا و سایر شرایط قرارداد اصلی و قرارداد های وام را نقض کردند. نامبرده اخطار کرد که سررسید وامها را جلوتر خواهد انداخت و پس از تلاشهای ناموفق جهت حصول اطمینان از رعایت مفاد قرارداد ها، در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) سررسید سفته ها را حال کرده و از هر یک از شرکتهای زمزم وام گیرنده خواست که مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار را پرداخت کند. خواهان اظهار می دارد که بدین ترتیب به موجب

قرارداد وام، وامها می بایست در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ (دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) پرداخت می‌شد، ولی مبالغ مزبور هرگز به وی پرداخت نگردید. خواهان می‌گوید که وی همچنان تا سال ۱۹۸۱ به فروش عصاره به شرکتهای زمزم در ایران ادامه داد، لکن از سال ۱۹۷۹ فقط با دریافت اعتبار اسنادی تایید شده اقدام به این کار کرده است.

خواهان خواستار بهره نسبت به مبلغ ۶،۵۰۰،۰۰۰ دلار به نرخى به میزان ۳ درصد بالاتر از نرخ سه ماهه پیشنهادی بین بانکی لندن (لیبور) از تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخ پرداخت حکم، می‌باشد. خواهان استدلال می‌نماید که وی حق دریافت چنین نرخى را دارد، زیرا این نرخ در موافقت نامه‌ها و در صورت عدم بازپرداخت وامها هنگام سررسیدشان، پیش‌بینی شده است.

خواهان می‌گوید که دولت ایران و بنیاد مستضعفان، همراه با ده شرکت زمزم وام‌گیرنده، منفرداً و مجتمعاً مسئول بازپرداخت وامهایی هستند که بر ذمه شرکتهای زمزم مربوطه است. این استدلال مبتنی است براین واقعیات که در قرارداد های وام مشخصاً مقرر شده که این قراردادها نسبت به جانشینان الزام آور است، و دولت ایران و بنیاد مستضعفان هر دو، "جانشینان تمام منافع مالکان قبلی زمزم می‌باشند". خواهان استدلال می‌نماید که دولت و بنیاد مستضعفان، همچنین براساس ضمانتنامه‌هایی که توسط افراد خانواده ثابت داده شده، مسئول هستند. از نظر خواهان، هنگامی که داراییهای خانواده ثابت صادره و به بنیاد منتقل شد، بنیاد همچنین مسئولیت تعهدات آنان را نیز پذیرفت و ضمانتنامه‌های یاد شده از جمله آنها می‌باشند.

در رابطه با ماهیت این ادعا، استدلال اصلی شرکتهای زمزم اینست که وامهای یاد شده، وامهای شخصی به خانواده ثابت بوده و مقصود از آن استفاده "شرکتهای دهگانه زمزم" نبوده است و لذا نه شرکتهای دهگانه مذکور، نه دولت ایران و نه بنیاد

مستضعفان، هیچکدام مسئول بازپرداخت آنها نیستند. شرکتهای زمزم اظهار می دارند که مطالب زیر دال بر این امر است: شرایط و روح قرارداد اصلی حاکی از آنست که ماهیت وامها شخصی بوده نه شرکتی، شرکتهای زمزم وام گیرنده مجوزی جهت انعقاد موافقت نامه های وام مذکور به افراد خانواده ثابت نداده اند، آقایان حبیب، ایرج و هرمز ثابت، قرارداد اصلی را فقط به عنوان ضامن امضا کرده اند، و نه به عنوان نماینده ده شرکت زمزم وام گیرنده، و نامه هایی که خواهان مدعی است سررسید وامها را حال کرده به ده شرکت زمزم وام گیرنده در ایران فرستاده نشده، بلکه به ایرج ثابت در پاریس ارسال گردیده، و بالاخره اینکه خواهان، افراد خانواده ثابت را جهت بازپرداخت وامها در دادگاههای ایالات متحده مورد تعقیب قرارداد، لکن بعداً با توافق ایشان ادعایش را پس گرفت. شرکتهای زمزم، مضافاً مدعی اند که آنها نباید مقید و متعهد به قراردادهای باشند، زیرا برخلاف اساسنامه شرکتهای، قراردادهای به جای اینکه توسط دو نفر امضا کننده مجاز امضا شده باشد، فقط توسط یک مدیر که مجوز لازم از جانب هیاتهای مدیره نداشته امضاء شده و فاقد مهر شرکت می باشد. این نقایص را نمی توان با هیچگونه نظریه اختیار "آشکار" رفع کرد. سفتهها فقط توسط شخص ایرج ثابت امضاء شده و لذا طبق کنوانسیون ژنو فقط علیه او می توان طرح دعوی نمود. بعلاوه، سفتهها و اخواست نیز نشده است. بر مبنای کلیه این مطالب شرکتهای زمزم اظهار می نمایند که موضوع وامها "توطئه" ای بوده از جانب خواهان و افراد خانواده ثابت، و ادعای حاضر با تبانی ایشان اقامه گردیده است.

شرکتهای زمزم مضافاً اظهار می دارند که وجوه وام را دریافت نکرده و این وجوه در دفاتر آنها ثبت نشده است، بلکه به عکس به شرکت زمزم مرکزی پرداخت شده که در سال ۱۹۷۸ منحل گردید. شرکتهای زمزم بیانیه ای از جانب موسسه حسابرسی آگاهان و همکاران، سابقاً معروف به کوپرزاندلیبراند ایران، ارائه نمودند، مبنی بر اینکه وامها در دفاتر یکی از "شرکتهای زمزمی" که حسابرسی شده بود، ثبت نگردیده و "هیچگونه مدرک و

سوابق و قرائن مکتوب دال بر آگاهی موسسه کوپرز اند لیبراند، از وجود وام دریافتی ۶/۵ میلیون دلاری سایر شرکتهای گروه زمزم از پیسی کو اینک، وجود ندارد. بخشی از وجوه وامها به دو شرکتی که، حسب ادعا متعلق به خانواده ثابت بوده ولی خوانده پرونده حاضر نیستند، منتقل شده است.

در رابطه با نامه های مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) که سررسید وامها را حال کرده، شرکتهای زمزم اظهار می نمایند که نامه ها به ترتیبی که مقرر بوده، به شرکتهای زمزم وام گیرنده ارسال نشده، و توسط این شرکتها دریافت نشده است. به عکس، نامه ها خطاب به هر شرکت زمزم وام گیرنده و با عنوان قابل توجه آقای ایرج ثابت بوده و به نشانی شخصی افراد خانواده ثابت در پاریس فرستاده شده است. رسید پست به امضای ایرج ثابت نیست، و معلوم نیست که نامه ها در ایران واقعا به دست آنها رسیده است یا نه. علاوه بر این، شرکتهای زمزم این مطلب را مورد تردید قرار می دهند که همان نامه هائی که به عنوان مدرک تسلیم شده واقعا در پاکتهایی که رسید بابت آنها داده شده، قرار داشته است.

شرکتهای زمزم همچنین استدلال می کنند که هیچ یک از تعهدات قراردادی را نقض نکرده اند و لذا هیچگونه علت و دلیلی برای حال کردن سررسید وامها وجود نداشته است. بالاخره، شرکتهای زمزم اظهار می دارند که نباید مسئول شناخته شوند، چه مسئولیت آنها محدود است به ارزش سهامشان که آن هم در تاریخ انتقال سهام به بنیاد مستضعفان، منفی بوده است.

دولت ایران و بنیاد مستضعفان نیز هرگونه مسئولیت بابت این ادعا را رد می کند.

خواهان به شرح زیر به مدافعات خواندگان پاسخ می دهد. وی اظهار می دارد که

وامها به ده شرکت زمزم وام گیرنده اعطا شده که متعهد های اصلی بودند و طبق قوانین ذیربط نیویورک، آقایان حبیب، ایرج و هرمز ثابت فقط تعهد ثانوی جهت تضمین وامها پذیرفته بودند. نظریه اختیار "آشکار" طبق قانون نیویورک و همچنین قانون ایران و اصول کلی حقوقی، به ایرج ثابت اختیار می دهد که ده شرکت زمزم وام گیرنده را متعهد نماید. بعلاوه حتی اگر در امضای قرارداد اصلی و قراردادهای وام اشکالات فنی وجود داشته، به هر صورت شرکتهای زمزم، طبق نظریه تنفیذ، به علت استفاده از مزایای آن قراردادهای، مسئول وامها شناخته می شوند. در این مورد که وامها در دفاتر شرکتهای زمزم وام گیرنده ثبت شده یا نه، خواهان سوگندنامه ای از جانب شریک و مدیر قبلی کوپرز اند لیبراند ایران ارائه نموده، مبنی براینکه وامها در دفاتر یکی از شرکتهای زمزم که در گذشته حسابرسی شده، وارد گردیده و "گرچه کوپرز اند لیبراند صورتهای مالی بقیه نه شرکت نوشابه سازی زمزم را در ایران حسابرسی نکرده، بااینحال موسسه مزبور اطلاع داشت که وام مشابهی توسط پیسی کو اینک به هر یک از شرکتهای زمزم داده شده و وامها، کلاً" بالغ بر ۶/۵ میلیون دلار آمریکا بوده است". در رابطه با دعوی مطروحه خواهان علیه خانواده ثابت در ایالات متحده، نامبرده اظهار می نماید که دلیل استرداد دعوی این بود که معلوم شد که افراد خانواده ثابت هیچ نوع دارایی در ایالات متحده ندارند و امضای آنها برای تحصیل قرار خاتمه دعوی، بدون لطمه به حقوق طرفین، لازم بود. معهدا، پیسی کو با طرح دعوی علیه ضامین وامها از حق خود در تعقیب ده شرکت زمزم وام گیرنده به عنوان متعهدین اصلی وامها، صرف نظر نکرده است.

خواهان، مضافاً منکر وجود هرگونه "توطئه" ای شده است. خواهان اظهار می دارد که به شرکت مرکزی زمزم که در این پرونده خوانده نیست هیچگونه وامی داده نشده است. نامبرده همچنین اظهار می دارد که مصرف بخشی از وجوه وامها جهت پرداخت دیون ده شرکت زمزم وام گیرنده به دو شرکتی که آنها نیز متعلق به خانواده ثابت بودند در موافقت نامه ها پیش بینی گردیده و این امر، وامها را بصورت وام شخصی به اعضای



خانواده ثابت در نمی آورد. بالاخره، خواهان اظهار می دارد که با اطلاعیه واقعی به رئیس هیات مدیره ده شرکت زمزم وام گیرنده، طبق قوانین ذیربط نیویورک، اطلاعیه قانونی مبنی بر حال کردن سررسید وامها، به یکایک شرکت ها داده است.

### ج - ادعای متقابل

شرکتهای زمزم ، همراه با لایحه دفاعیه خویش، ادعای متقابلی علیه پیسی کو جهت گران فروشی ادعایی در فروش عصاره توسط شرکت یاد شده در طول دوره ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۸، مطرح ساخته اند. ادعای متقابل به مبلغ ۱۲،۴۰۰،۰۰۰ دلار، حسب ادعا ناشی از کل رابطه قراردادی فیما بین شرکتهای زمزم و خواهان است که خود ادعا بر آن استوار است. شرکتهای زمزم مدعی اند که خواهان از سال ۱۹۷۴ قیمت های کزافی بابت عصاره از آنها دریافت کرده و بدین طریق خساراتی به مبلغ مورد ادعا در دعوی متقابل بدانها وارد کرده است. از نظر آنها مدرک گرانفروشی، این واقعیت است که خواهان پیش از سال ۱۹۷۹ بابت هر واحد عصاره مبلغ ۳۱۰ دلار حساب می کرد، در حالی که پس از انقلاب اسلامی، نامبرده هر واحد عصاره را به بهای ۱۵۵ دلار فروخته است. رقم ۱۵۵ دلار، قیمت عادلانه بازار بوده که موید این مطلب از نظر شرکتهای زمزم "اولا" این واقعیت است که آنان عصاره های مشابه دیگر را به قیمت های نازلتر، از سایر فروشندگان خریداری کرده اند، و ثانيا" اعلامیه کتبی روی صورتحسابهای خواهان مبنی بر اینکه "قیمت" ۱۵۵ دلار "ارزش واقعی صادراتی بازار" است. شرکتهای زمزم استدلال می نمایند که خواهان با گرانفروشی به آنان، به روشهای غیرمنصفانه تجاری توسل جسته، اصول انصاف تجارت بین الملل را نقض کرده، و بلاجهت دارا شده است.

"چنانچه دادگاه بخواند حکم بهره بدهد"، شرکتهای زمزم خواستار بهره متعلقه به مبلغ ۱۲،۴۰۰،۰۰۰ دلار، می باشند.

خواهان منکر آنست که دیوان نسبت به ادعای متقابل شرکتهای زمزم صلاحیت دارد. وی استدلال می کند که ادعای متقابل مربوط است به تحویل عصاره پیش از اواسط سال ۱۹۷۸، که قیمت آن به خواهان پرداخت شده، و نه به تحویل عصاره‌ای که ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی بر آن مبتنی است. بنابراین محمولات عصاره‌ای که ادعای متقابل بر آن استوار است، با محمولاتی که مبنای ادعا را تشکیل می دهند، متفاوتست. خواهان اظهار می دارد که حتی اگر دیوان نسبت به این ادعای متقابل صلاحیت داشته باشد، ۳۱۰ دلار بابت هر واحد عصاره قیمت عادلانه بازار است. خواهان اختلاف بین قیمت واحد کالا، پیش از انقلاب اسلامی و بعد از آنرا بدین نحو توضیح می دهد که قیمت ۱۵۵ دلار توسط دولت جدید در سال ۱۹۷۹ "تحمیل" گردید و وی چنانچه نمی‌خواست بازار ایران را از دست بدهد، چاره ای جز پذیرفتن این قیمت نداشت. شرکتهای زمزم این مطلب را انکار نموده و اظهار می دارند که خواهان پس از انقلاب اسلامی داوطلبانه این تصمیم تجاری را گرفت که هر واحد عصاره را به مبلغ ۱۵۵ دلار بفروشد.

در رابطه با اعلامیه روی برخی صورتحسابها مبنی بر اینکه "قیمت" ۱۵۵ دلار "ارزش واقعی صادراتی بازار" بوده، خواهان اظهار می دارد که این امر دقیقاً "مبین اطمینان پپسی کو از این مورد است که از نظر تعیین عوارض گمرکی، قیمت ذکر شده قیمتی بوده که واقعا" بابت همان محموله‌های خاص حساب شده است.

بالاخره خواهان استدلال می نماید که شرکتهای زمزم حتی طبق قوانین ایران، نمی‌توانند این ادعای متقابل را تعقیب نمایند، زیرا خیار فسخ معامله، یعنی تنها راه جبران خسارت حاصله از گرانفروشی ادعایی، باید ظرف یکسال اعمال شود. نامبرده مضافاً استدلال می کند که شرکتهای زمزم با قبول و مصرف عصاره‌ای که به بهای ۳۱۰ دلار فروخته شده بود، بدون اینکه اعتراضی به عمل آورند، از هرگونه حق شکایت صرفنظر کرده‌اند. شرکتهای زمزم، هر دو استدلال فوق را رد می‌کنند و می‌گویند حال که خواهان ادعای

اصلی را مطرح کرده، ایشان نیز می‌توانند ادعای متقابل را اقامه نمایند، ولو اینکه ادعای متقابل طبق قوانین ایران مشمول مرور زمان شده باشد.

#### د) هزینه ها

کلیه طرفها خواستار هزینه های دآوری هستند.

#### ۳ - موضوعات شکلی

#### الف) درخواست خواهان جهت رد برخی از لوائح شرکتهای زمزم و درخواست خواندگان جهت رد لایحه تکمیلی هزینه های خواهان

در ۱۶ اوت ۱۹۸۴ (۲۵ مرداد ماه ۱۳۶۳) خواهان لایحه ای حاوی اظهار نظر راجع به لایحه ثبت مورخ اول اوت ۱۹۸۴ (۱۰ مرداد ماه ۱۳۶۳) شرکتهای زمزم به ثبت رسانده و ضمن آن از دیوان تقاضا کرد که آن قسمت از مطالب مندرج در لایحه اول اوت ۱۹۸۴ (۱۰ مرداد ماه ۱۳۶۳) را که به نظر خواهان، "از حیطة دستور مورخ ۷ ژوئن ۱۹۸۴ (۱۷ خرداد ماه ۱۳۶۳) دیوان خارج" است، رد کند. خواهان در همان لایحه، همچنین ادعای هزینه هایش را تکمیل و هزینه ها را تا تاریخ استماع تمدید نمود. وی قبلاً، پیش از استماع طی یادداشتی حاوی خلاصه ادعایش، اجازه تسلیم این لایحه تکمیلی را خواسته بود. زمزم، طی اظهار نظری که در ۱۰ اکتبر ۱۹۸۴ (۱۸ مهر ماه ۱۳۶۳) راجع به لایحه خواهان ثبت کرد، به این لایحه اعتراض کرده و آنرا درخواست جدیدی جهت "خسارات موهومی"، "خارج از موعد"، و فاقد دلیل و مدرک دانست.

ب) درخواستهای مربوط به افزایش نرخ بهره

خواهان، در یادداشت خود حاوی خلاصه ادعایش پیش از جلسه استماع، که در ۳۱ ژانویه ۱۹۸۴ (۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۲) ثبت شده، نرخ بهره مورد مطالبه نسبت به حسابهای دریافتنی عصاره را، از ۶ به ۱۲ درصد افزایش داده و از دیوان تقاضا کرد که "در صورت لزوم تجدید نظر در محاسبه نرخ بهره را به عنوان متمم ادعایش تلقی کند". زمزم در یادداشت خود حاوی خلاصه مدافعاتش پیش از جلسه استماع، که در ۴ مه ۱۹۸۴ (۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۳) ثبت گردید، به افزایش نرخ بهره مورد مطالبه اعتراض کرد. در جلسه استماع، هر دو طرف درخواستهای خود را در این رابطه تجدید نمودند و دیوان داوری تصمیم گرفت که عجالتا" تصمیم خود درباره قابلیت پذیرش افزایش نرخ بهره را به بعد موکول نماید.

ج) درخواست تعویق تصمیم راجع به تابعیت امریکایی خواهان

در جلسه استماع، دولت ایران از دیوان داوری درخواست کرد که تصمیم راجع به تابعیت امریکایی خواهان را تا بعد از صدور رای دیوان عمومی در پرونده الف/۲۰ به تاخیر اندازد.

د) درخواست تعویق تصمیم راجع به بهره

شرکتهای زمزم در یادداشت خویش حاوی خلاصه مدافعاتشان پیش از جلسه استماع، و نیز در جلسه استماع، از دیوان تقاضا کردند که تصمیم راجع به ادعای بهره را تا پس از صدور رای دیوان عمومی در پرونده الف/۱۹ به تعویق اندازد.

### ه) درخواستهای انتصاب کارشناس

شرکتهای زمزم از دیوان داوری تقاضا کرده اند که جهت تعیین موارد زیر کارشناس نصب کند: (یک) قیمت عادلانه بازار برای عصاره فروخته شده، (دو) اینکه سفته های مربوط به وامها در دفاتر شرکتهای زمزم وام گیرنده منعکس گردیده یا نه، مگر آنکه خود دیوان تشخیص دهد که این کار نشده است، (سه) ارزش سهام شرکتهای زمزم در تاریخ انتقال آنها به بنیاد مستضعفان، مگر آنکه خود دیوان تشخیص دهد که ارزش سهام در آنموقع منفی بوده، و (چهار) اینکه "دفاتر قانونی و گزارشهای مالی" خواهان برای سالهای مالی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ شامل شرایطی ناظر بر اندوخته های مربوط به وامها بوده است یا نه.

### و) درخواستهای ارائه مدارک

شرکتهای زمزم مدعی اند که خواهان قبلاً "وجوه وامها را از افراد خانواده ثابت پس گرفته است. شرکتهای نامبرده درخواست کرده اند "برای اینکه این موضوع نیز از هر حیث روشن شود..." خواهان "دفاتر تجاری و ترازنامه سالهای ۱۹۷۹ تاکنون خود را به دیوان ارائه، و به روایت خواننده برسانند".

شرکتهای زمزم، همچنین درخواست کرده اند که خواهان اصل مدارک و اسناد مختلفی که رونوشت آنها را ارائه کرده، تسلیم نماید.

آنان، مضافاً "خواسته اند که خواهان ترجمه صحیح تعدادی از اسناد تسلیمی خود را ارائه نماید.

دوم - دلایل حکم

۱ - موضوعات شکلی

الف) درخواست رد برخی لوایح

دیوان داوری کلیه اسناد تسلیمی طرفین در طول رسیدگیها را می پذیرد، چه هیچیک از این مدارک به صورتی نبوده که موجب هیچگونه لطمه‌ای شود.

ب) درخواستهای تعویق تصمیمات

دیوان داوری خاطر نشان می‌سازد که بعد از تاریخی که خواندگان تقاضا کردند تصمیم راجع به تابعیت خواهان تا صدور رای دیوان عمومی در پرونده الف/۲۰ به تعویق افتد، این تصمیم صادر شده است. رجوع شود به پرونده شماره الف/۲۰ تصمیم شماره الف/۲۰ - ۴۵ دیوان عمومی (۱۰ ژوئیه ۱۹/۱۹۸۶ تیر ماه ۱۳۶۵). بنابراین درخواست خواندگان اکنون منتفی شده است.

دیوان درخواست خواندگان مبنی بر تعویق تصمیم راجع به تعلق یا عدم تعلق بهره و مبلغ آن تا پس از صدور رای دیوان در پرونده شماره الف/۱۹ را رد می‌کند. این امر با رویه دیوان در خصوص این موضوع منطبق می‌باشد.

ج) درخواستهای ارائه اسناد و مدارک و نصب کارشناس

دیوان براین نظر است که ادله کافی برای تشکیل مبنای تصمیم‌گیری نسبت به هر دو ادعای پرداخت حسابهای پرداختنی بابت ارسال عصاره و بازپرداخت وامها در پرونده وجود دارد.

در رابطه با درخواست خواندگان مبنی بر نصب کارشناس برای تعیین ارزش سهام

شرکتهای زمزم، نظر دیوان اینست که خوانندگان توضیح یا دلیل کافی جهت این درخواست ارائه نداده‌اند. خوانندگان، در تایید اظهارات خویش مبنی بر اینکه در قبال وامها مسئول نیستند، چون مسئولیت احتمالی آنها محدود به ارزش سهامشان در شرکتهای زمزم خواهد بود و ارزش سهام در تاریخ انتقال به بنیاد مستضعفان منفی بوده، سوگندنامه‌ای از حسابرس موسسه حسابداری بنیاد مستضعفان تسلیم نمودند. معذک این سوگند نامه بسیار کلی که متن انگلیسی آن فقط یک روز قبل از استماع پرونده حاضر به ثبت رسید، فقط مربوط به یکی از شرکتهای زمزم است و هیچگونه صورت مالی یا تحلیل ویژه‌ای همراه ندارد. دیوان داوری براین نظر است که این سند برای تایید اظهارات خوانندگان کفایت نمی‌کند و مبنای کافی برای توجیه انتصاب کارشناس، به دست نمی‌دهد. علاوه براین، خوانندگان این ادعاها را تعقیب نکرده و یا مدارک بیشتری در اثبات آنها ارائه نداده‌اند. با توجه به مراتب پیش گفته، دیوان لزومی نمی‌بیند به مساله ارتباط و مناسبت تعیین ارزش شرکتهای زمزم یا سهام آنها به پردازد.

از این رو، دیوان براین نظر است که نیازی به قبول درخواست تعیین کارشناس یا ارائه مدارک بیشتر نیست.

#### د) ادعای افزایش بهره و متمم ادعای هزینه ها

دیوان درخواستهای خواهان جهت افزایش نرخ بهره‌ای که بدواً "مطالبه نموده و همچنین به روز در آوردن ادعای هزینه هایش را می‌پذیرد چه، هر دو درخواست فقط بر محاسبات مربوط به مبالغ تاثیر می‌گذارد و لذا به مدافعات خوانندگان لطمه ای نمی‌زند.

## ۲ - صلاحیت

### الف) تابعیت امریکایی خواهان

دیوان داوری، با توجه به ادله و مدارک تسلیمی خواهان قانع شده است که نامبرده برطبق موازین و ضوابط مندرج در فلکسی - ون لیسینگ اینک و جمهوری اسلامی ایران، پرونده شماره ۳۶ (دستور مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۲/۲۹ آذر ماه ۱۳۶۱) و جنرال موتورز کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، پرونده شماره ۹۴ (دستور مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۸۳/ اول بهمن ماه ۱۳۶۱)، در مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، تبعه ایالات متحده است. همچنین رجوع شود به: پرونده شماره الف/۲۰، تصمیم شماره الف/۲۰ - ۴۵ دیوان عمومی (۱۰ ژوئیه ۱۹۸۶/۱۹ تیر ماه ۱۳۶۵).

### ب) مالکیت ادعاها

خواهان ادعای مربوط به پرداخت سفته ها را به عنوان ادعای مستقیم بر مبنای ترتیبات قراردادی خود با ده شرکت زمزم وام گیرنده، مطرح می سازد. مالکیت خواهان بر این ادعا مورد اختلاف نیست.

در رابطه با ادعای حسابهای دریافتنی، مساله فرق می کند. خواهان با طرح ادعاهای غیرمستقیم از جانب شرکتهای فرعی کاملاً متعلق به خودش، یعنی پیسی کو ایرلند و پیسی کو پرتوریکو، پرداخت قیمت عصاره پیسی کولا را که فروخته و تحویل شده است، مطالبه می کند. سوابق و مدارک موجود حاکیست که پیسی کو پرتوریکو در واقع شرکت فرعی کاملاً متعلق به خواهان است که در ایالت دله ور تاسیس یافته و لذا می توانسته است راساً ادعاهای مربوط به عصاره تحویل شده را مطرح سازد. بنابراین، خواهان طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی نمی توانست این بخش از ادعا را که به پیسی



کو پرتوریکو مربوط می شود، به صورت ادعای غیرمستقیم مطرح نماید. لیکن در ۲۷ مارس ۱۹۷۹ (۷ فروردین ماه ۱۳۵۸) پیسی کو پرتوریکو، این ادعا را به خواهان واگذار کرد، و لذا خواهان از آن تاریخ حق طرح این ادعا را اصالتاً به نام خویش، به دست آورد. ادعای مزبور، از تاریخ بروز آن تا ۲۷ مارس ۱۹۷۹ (۷ فروردین ماه ۱۳۵۸) از طریق مالکیت خواهان بر پیسی کو پرتوریکو به طور غیرمستقیم، و از تاریخ ۲۷ مارس ۱۹۷۹ (۷ فروردین ماه ۱۳۵۸) به طور مستقیم، در مالکیت خواهان بوده است. بنابراین شرط استمرار مالکیت ادعا توسط اتباع ایالات متحده طبق مفهوم بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، تحقق یافته است (۲).

آن بخش از ادعا که به عصاره تحویلی توسط پیسی کو ایرلند مربوط می شود، از ابتدا به عنوان ادعای غیرمستقیم توسط خواهان مطرح شده است. از آنجا که پیسی کو ایرلند، به عنوان یک شرکت ایرلندی نمی تواند راساً به نام خود طرح دعوی نماید، خواهان می تواند از طریق مالکیت ۱۰۰ درصد شرکت نامبرده، طبق بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، به طرح این ادعا به صورت غیرمستقیم اقدام نماید.

در تاریخ ۲۷ مارس ۱۹۷۹ (۷ فروردین ماه ۱۳۵۸) پیسی کو ایرلند نیز بخشی از ادعای خود بابت قیمت عصاره تحویلی را نیز به خواهان منتقل نمود و بدین ترتیب پیسی کو از آن تاریخ مالک مستقیم ادعای منتقله گردید. معذاً، انتقال مزبور شامل کلیه مبالغ مندرج در ادعای حاضر خواهان نمی شد. بنابراین، بخش نسبتاً کوچک ادعا که مشمول واگذاری پیسی کو ایرلند نبوده، به عنوان ادعای غیرمستقیم خواهان از جانب شرکت فرعی ایرلندی وی، نزد دیوان مطرح است.

---

(۲) رجوع شود به: هارزا و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۲-۹۷-۲۳۲، ص ۱۳ (۲ مه ۱۹۸۶/۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵) بند ۲ ماده هفت بیانیه استمرار تابعیت خواهانها را لازم می داند نه استمرار هویت آنان را و استمرار تابعیت را... از تاریخ بروز ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه (۱۹ ژانویه ۱۹۸۱/۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) الزامی می شمارد.

### ج) خواندگان

دیوان داوری قبلا" نظر داده است که بنیاد مستضعفان دستگاهی است تحت کنترل دولت ایران، و لذا در حیطة صلاحیت دیوان قرار دارد. رجوع شود به: هایت اینترنتیال کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، قرار اعدادی شماره ۱-۱۳۴-۵۴ صفحات ۲۳-۳۱ (۱۷ سپتامبر ۲۶/۱۹۸۵ شهریور ماه ۱۳۶۴). گرچه خواندگان منکر آن نیستند که بنیاد مستضعفان مالک سهام شرکتهای زمزم است، بااینحال مدعی اند که هر یک از این شرکتها شرکت تجاری خصوصی است با شخصیت حقوقی جداگانه که بنیاد نسبت به آن فقط به عنوان یک سهامدار عادی عمل می کند. دیوان داوری در رابطه بااین مسئله ملاحظه می نماید که مدیر بنیاد طی نامه ای به تاریخ ۱۰/۲/۱۳۵۸ (۳۰ آوریل ۱۹۷۹) به دادستان کل دادگاه انقلاب اسلامی نوشته است که "در (بند ۳) نامه شماره ۲۰۳ مورخ ۲۲/۱/۵۸ (۱۱ آوریل ۱۹۷۹)، آن دادستانی تصمیم دادگاه انقلاب اسلامی مبنی بر مصادره شرکت ثابت پاسال به این بنیاد اعلام گردیده است". نامه بنیاد چنین ادامه می یابد که "چون، بقرار اطلاع آقای حبیب ثابت در شرکتهای متعدد صاحب سهم و بعلاوه دارای مستغلات متعدد و اموال غیرمنقول نیز می باشد، لذا متمنی است جوابا" مرقوم فرمائید تصمیم مزبور منحصرآ" مربوط به شرکت ثابت پاسال می باشد یا اینکه شامل اموال منقول و موجودی نقدی در بانکهای داخله و خارجه و اموال غیرمنقول و سهام شرکت های نامبرده نیز می شود، به عبارت دیگر محدوده عمل این بنیاد نسبت به مصادره اموال مشارالیه مشروحا" تعیین گردد." در تاریخ ۶ مه ۱۹۷۹ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)، دادستان کل به بنیاد مستضعفان نوشت که "در مورد شرکت هائی که حبیب ثابت در آن مبلغ ناچیزی داشته یا به اسم خود او نیست و متعلق به بستگان نزدیک او است تذکر می دهد که آنها هم جزو اموال مصادره شده می باشد و آن بنیاد موظف است باین طریق اقدام نماید." در ۷ مه ۱۹۷۹ (۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)، دادستان کل در پاسخ به نامه مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۷۹ (نهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) بنیاد تایید کرد که "منظور از

همه اموال آقای حبیب ثابت، کلیه اموال آقای حبیب ثابت و گروه ثابت، و اقارب درجه اول مشارالیه [است]...، بهر شکل و صورتی که باشد". در همان روز، رئیس کمیته سازمان داراییهای مصادره شده بنیاد مستضعفان، اطلاعیه مصادره صادر و ضمن آن اعلام کرد که "داراییهای متعلق به خانواده ثابت، بنا به دستورهای صادر شده، مصادره گردیده و اداره آن به عهده این سازمان گذارده شده است". بنیاد مستضعفان در ۳۰ مه ۱۹۷۹ (۹ خرداد ماه ۱۳۵۸)، آقای پایانی را به عنوان مدیرعامل موقت شرکت زمزم تهران و رئیس هیات مدیره کلیه شرکتهای زمزم دیگر در ایران، منصوب کرد. در ۱۲ ژوئن ۱۹۷۹ (۲۲ خرداد ماه ۱۳۵۸)، آقای پایانی طی تلکسی به خواهان اطلاع داد که "از ۳۰ مه ۱۹۷۹ (۹ خرداد ماه ۱۳۵۸) و برابر تصمیم دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی ایران، کلیه داراییهای حبیب ثابت و خانواده وی توسط بنیاد مستضعفان مصادره شده است". در اول سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۰ شهریور ماه ۱۳۵۸)، بنیاد مستضعفان آقای طباطبائی را به جای آقای پایانی در سمت وی در شرکتهای زمزم، منصوب کرد. آقای طباطبائی در نامه مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ (۲۵ دی ماه ۱۳۵۸) به خواهان، ضمن ابراز علاقه گروه زمزم به مذاکره و عقد قرارداد نمایندگی جدید نوشابه سازی، اظهار داشت که "اسناد رسمی موعد تاسیس بنیاد مستضعفان و مصادره کلیه کارخانجات زمزم در ایران به دفتر شما در تهران تحویل شده است".

دیوان دآوری، به منظور احراز صلاحیت خود، از اسناد و مدارک یاد شده چنین نتیجهگیری می کند که بنیاد مستضعفان، در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، شرکتهای زمزم را تحت کنترل دولت قرار داده است. رجوع شود به: فورموس تهران، اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۲۳۱/۳۷-۲۲۰ صفحه ۲۱ (۱۱ آوریل ۱۹۸۶/۲۲ فروردین ماه ۱۳۶۵)، که ضمن آن دیوان نظر داد که "مالکیت اکثریت سهام و کنترل هیات مدیره"، کنترل در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی را "ثابت می کنند".

د) قید استثنای مرجع رسیدگی

قراردادهای موضوع بحث در پرونده حاضر شامل شرایط خاصی نیست که طبق آن اختلافات ناشیه تنها به دادگاههای صالحه ایران ارجاع شود. از این رو، طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، صلاحیت دیوان سلب نشده است.

ه) ادعای بازپرداخت وامها

به موجب بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، دیوان داوری فقط نسبت به ادعاهایی صلاحیت رسیدگی دارد که در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) یعنی تاریخ نفاذ بیانیه پابرجا بوده است. در ده فقره سفته‌ای که خواهان ادعای خویش بابت کل مبلغ ۶،۵۰۰،۰۰۰ دلار را، بر آن استوار می‌سازد، قید شده که سررسید آنها ۱۵ مه ۱۹۸۲ (۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) می‌باشد، یعنی شانزده ماه پس از انقضای محدوده زمانی صلاحیت دیوان. بنابراین، دیوان نسبت به ادعای مبتنی بر عدم پرداخت سفته‌ها صلاحیت نخواهد داشت، مگر آنکه سررسید آنها قانوناً حال شده باشد، به نحوی که در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) یا قبل از آن، لازم التادیه گردیده باشند. خواهان اظهار می‌دارد که وی به طور قانونی سررسید سفته‌ها را حال کرده، چه از جمله علل دیگر، شرکت‌های زمزم، الزامات قرارداد اصلی و قراردادهای وام، در مورد کنترل کیفیت کالا را رعایت نکرده و صورتحسابهای عصاره را طبق قراردادهای مذکور بموقع پرداخت ننمودند. خواهان مدعی است که، در نتیجه سفته‌ها در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ (دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) حال و لازم التادیه گردید و چون وجه آنها پرداخت نشد، ادعا در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پابرجا بوده است. از سوی دیگر، خواندگان از جمله، ادعا می‌کنند که حال کردن سفته‌ها به نحو قانونی صورت نگرفته، ولذا دیوان نسبت به هرگونه ادعای بابت سفته‌ها، فاقد صلاحیت است.

قرارداد اصلی و قراردادهای وام حق حال کردن سررسید سفته ها را در صورت وقوع هر یک از چند رویداد مختلف ، به خواهان داده است. در رابطه با استدلال خواهان مبنی بر اینکه شرکتهای زمزم ضوابط لازمه کنترل کیفیت را نقض کردند، بند ۳ (ب) قرارداد اصلی مقرر می دارد که خواهان، چنانچه متقاعد شود که شرایط زیر رعایت نشده است می تواند سررسید هر یک از سفته ها را حال نماید:

" ضامنهای [شرکتهای زمزم وام گیرنده]، [شرکتهای زمزم] و سهامداران برای تضمین اینکه نوشابه های غیرالکلی پپسی کو که توسط کارخانه های مختلف نوشابه سازی تولید می شود با کلیه معیارهای کنترل کیفیت پپسی کو مطابقت داشته است و این ضوابط بدون تخلف از مقررات مندرج در مدرک (ث) حفظ بشود، فوراً" اقدام خواهند کرد.

به همین نحو، در هر یک از قراردادهای وام تصریح گردیده که، "در صورتی که وام گیرنده یا هر شرکت [زمزم] دیگری که به کار پپسی کولا در ایران اشتغال دارد" از این شرط عدول کند که "کلیه نوشابه های غیرالکلی پپسی کو با کلیه معیارهای کنترل کیفیت پپسی کو بدون هیچ تفاوتی مطابقت داشته باشد،" خواهان حق دارد وامها را حال کند. ظاهراً" غرض از شرایط یاد شده حفظ کیفیت و مرغوبیت محصولات پپسی کو بوده که تحت نام تجاری بسیار شناخته شده اش به فروش می رفته است.

ادله و مدارک، موعید این ادعای خواهان نیست که نامبرده به علت قصور هر یک از شرکتهای زمزم در حفظ ضوابط لازمه کنترل کیفیت، سفته ها را حال کرده است. خواهان به عنوان مدرک، نسخ مراسلات متعدد خویش با شرکتهای مختلف زمزم را، که ضمن آن توجه به مسایل کنترل کیفیت در کارخانه های متعدد نوشابه سازی را یادآوری کرده، و همچنین نسخ مکاتبات و گزارشهای داخلی تشکیلات پپسی کو راجع به مسایل کنترل کیفیت را، ارائه نموده است. مراسلات مزبور مربوط به دوره بین اوت ۱۹۷۷ تا ژوئیه ۱۹۷۸، بوده و حاوی شرح مسایل و مشکلات ویژه کارخانه های نوشابه سازی و پیشنهاداتی جهت

رفع آن مشکلات و نیز پیشنهاد خواهان جهت کمک به اصلاح وضع، می‌باشند. آخرین مدرک از این قبیل نامه ای است به تاریخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲ مرداد ماه ۱۳۵۷) خطاب به ایرج ثابت، شرکت زمزم، تهران، که در آن تایید شده که جلسه‌ای در همان روز و روز قبل، تشکیل شده و ضمن آن نمایندگان خواهان و شرکتهای زمزم مساله کیفیت نوشابه‌های پپسی کولای تولیدی در کارخانه های زمزم "را مورد بحث قرار داده و خواهان در آن جلسات موافقت کرده چهار نفر مهندس کنترل کیفیت جهت برگزاری سمینارهای آموزشی و ارائه کمکهای فنی اعزام دارد. در این نامه اظهار اطمینان شده که اقدامات مشترک یاد شده "منجر به بالا رفتن کیفیت و مرغوبیت نوشابه پپسی کولا مطابق با توقع مصرف کنندگان در سراسر دنیا، خواهد شد".

تا آنجا که سوابق موجود نزد دیوان نشان می دهد، به نظر می رسد که اعتماد و اطمینانی که خواهان در نامه مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۸ (۲ مرداد ماه ۱۳۵۷) خویش ابراز نموده بیجا نبوده است، چه دلیل و مدرکی پس از آن تاریخ، در دست نیست که حاکی از تداوم مشکلات کنترل مرغوبیت باشد. دیوان، همچنین این مطلب را جایز اهمیت می داند که خواهان تا سال ۱۹۸۱، همچنان به فروش عصاره به شرکتهای زمزم ادامه داده، اما از سال ۱۹۷۹ به بعد فقط از طریق افتتاح اعتبار اسنادی تایید شده، اقدام به این کار کرده است، اگرچه نامبرده طبق قراردادهای نمایندگی این حق را داشت که در صورت مشاهده عدم رعایت ضوابط لازمه کنترل کیفیت، از فروش عصاره امتناع ورزد. بدینسان، دیوان نتیجه می گیرد که خواهان وجود مشکلات کنترل کیفیت در آوریل ۱۹۷۹ را، اثبات ننموده است و لذا دلیل مزبور نمی تواند موید عمل خواهان در حال کردن سررسیدها باشد.

در رابطه با استدلال خواهان مبنی بر اینکه شرکتهای زمزم صورتحسابهای عصاره را به موقع پرداخت نکردند، بند ۳ (ج) قرارداد اصلی مقرر می نماید که "بند ۴ مندرج در این

سند یکی از شرایط اجرا خواهد بود" و بدین طریق عدم اجرای شرط یاد شده به خواهان حق می دهد سررسید سفته ها را کوتاه کند. بند ۴ قرارداد اصلی شامل شرطی است مبنی براینکه:

" کلیه پرداختها بابت عصاره در طول مدت اعتبار این قرارداد ظرف یکصد و هشتاد (۱۸۰) روز پس از ورود آن به بندر مقصد صورت خواهد گرفت."

بدینسان، قصور در پرداخت صورتحساب عصاره به مدتی بیش از ۱۸۰ روز پس از ورود کالا به بندر مقصد، خواهان را در حال کردن سفته ها ذیحق می ساخت.

ادله موجود این استدلال خواهان را تایید می کند که عمل وی در حال کردن سفته ها به علت قصور شرکتهای زمزم در ایفای شرایط مندرج در بند ۳ (ج) و بند ۴ قرارداد اصلی موجه بوده است. خواهان به عنوان مدرک، نامه مورخ ۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۷) پیسی کو به ایرج، حبیب و هرمز ثابت راء ارائه نموده است. در این نامه، پیسی کو پرداخت صورتحسابهایی را که سررسیدشان ۷ ژوئن ۱۹۷۸ (۱۷ خرداد ماه ۱۳۵۷) بود خواستار گردیده و به آقایان ثابت یادآوری کرد که مادام که صورتحسابها پرداخت نشود، شرکتهای زمزم ناقض بند ۳ (ج) قرارداد اصلی شناخته شده و لذا پیسی کو حق کوتاه کردن سررسید سفته ها را خواهد داشت. پیسی کو، به ویژه اعلام کرد:

" تخلفی از این نوع بسیار جدی است و تمامی قرارداد اصلی و قراردادهای وام را که توسط شما و شرکتهایتان امضاء شده، در معرض مخاطره قرار می دهد."

نامه با این اخطار پیسی کو خاتمه یافت که چنانچه صورتحسابهای لازم التادیه آنزمان وی ظرف ۱۵ روز پرداخت نشود، وی حقوق خویش طبق قرارداد اصلی و قراردادهای وام راء اعمال خواهد کرد. ظاهراً، صورتحسابهای مزبور پرداخت شد، زیرا در سوابق موجود

اشاره دیگری بدانها نشده و خواهان ادعایی بابت آنها مطرح نساخته است.

خواهان در نامه های مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) خویش، که ضمن آنها سفته‌ها را حال کرد، به عنوان مبنای عمل خویش به بند ۴ قرارداد اصلی استناد کرده است. خواهان، علاوه بر اطلاع به هر شرکت زمزم وام گیرنده در مورد تصمیم خویش به کوتاه کردن سررسید سفته مربوط به آن شرکت، درخواست پرداخت آن، با استناد به بند ۴، پرداخت صورتحسابهایی را که از اوت ۱۹۷۸ بلا پرداخت مانده بود خواستار شد.

دیوان داوری، با توجه به نتیجه گیری خویش در قسمت ۳ (الف) زیر، براین نظر است که هنگامی که خواهان در ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) وامها را حال کرد، یکایک صورتحسابهای مورد بحث در پرونده حاضر بیش از ۱۸۰ روز از تاریخ ورود عصاره به بندر مقصد بلاپرداخت مانده بودند (۳). گرچه، خواهان دلیل و مدرکی که حاکی از تاریخ دقیق ورود هر محموله عصاره به بندر مقصد باشد، ارائه ننموده، با اینحال به عنوان مدرک، برگ مشخصات صورتحسابها یا مدارک دیگر مربوط به هر صورتحساب را، که نمایانگر تاریخ حمل هر محموله عصاره است، تسلیم نموده است. با فرض اینکه عصاره ۳۰ روز پس از تاریخ ارسال، به بندر مقصدش در ایران می رسیده، لذا در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) بیش از ۱۸۰ روز از ورود کالا به بندر مقصد

---

(۳) دیوان داوری ملاحظه می نماید که سررسیدپرداخت قیمت عصاره طبق بند ۴ قرارداد اصلی از موعد تعیین شده ای که در قسمت ۳ (الف) (سه) زیر بدان اشاره شده و مبنای محاسبه بهره است، متفاوت است. در اساس، سررسید اولی مربوط است به تاریخ ورود عصاره، در حالیکه سررسید دوم مربوط به تاریخی است که قیمت عصاره لازم التادیه گردید.



می‌گذشته و کلیه صورتحسابهای مورد بحث در پرونده حاضر بلاپرداخت مانده بوده است. در واقع، حتی به فرض اینکه عصاره ۶۰ روز پس از تاریخ حمل به بندر مقصدش در ایران رسیده باشد، باز در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸)، کلیه صورتحسابها به استثنای چهار فقره به مدت بیش از ۱۸۰ روز بلاپرداخت مانده بوده است. بدینسان، دیوان نتیجه می‌گیرد که هنگامی که خواهان در ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) وامها را حال کرد، شرکتهای زمزم بندهای ۳ (و) و ۴ قرارداد اصلی را نقض کرده بودند و لذا خواهان ذیحق بود چنین اقدامی به عمل آورد.

بالاخره، دیوان قانع شده است که خواهان طبق شرایط قرارداد اصلی در مورد دادن اخطار حال کردن وام، به نحو صحیح عمل کرده است. خواهان، به عنوان مدرک، یکا یک نامه های مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) خویش در مورد حال کردن وامها را، تسلیم نموده است. این نامه ها خطاب به یکایک شرکتهای زمزم وام گیرنده و دارای عنوان قابل توجه: آقای ایرج ثابت، رئیس هیات مدیره هر شرکت، بوده و با پست سفارشی به نشانی وی در پاریس و نیویورک ارسال شده است. ادله موجود نزد دیوان حاکی است که نامه هایی که به مقصد پاریس بوده، در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) ارسال شده، ولی مهر پستی نامه های ارسالی به نیویورک نامشخص است. دیوان داوری این فرض را منطقی می‌داند که نامه های اخیرالذکر نیز در تاریخی که نوشته شده‌اند ارسال گردیده‌اند. خواهان، همچنین به عنوان مدرک، یک تلگرام تاییدی که آن نیز مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) می‌باشد ارائه داده است. در این تلگرام که خطاب به ایرج ثابت است و به نشانی وی در شهر نیویورک فرستاده شده، ذکر شده که خواهان تصمیم گرفته است سررسید سفته های کلیه شرکتهای زمزم وام گیرنده را (که نام یکایک آنها در تلگرام قید شده) حال نماید و لذا پرداخت مبلغ ۶،۵۰۰،۰۰۰ دلار را، خواستار است. خواهان استدلال می‌کند که وی با دادن اطلاعیه واقعی به رئیس هیات مدیره هر شرکت زمزم، طبق قانون ذیربط نیویورک

که بموجب شرایط خویش "از هر لحاظ" حاکم بر موافقت نامه های وام بوده، اطلاعیه قانونی لازمه را به هر شرکت، داده و بنابراین شرایط ارسال اطلاعیه را که در قراردادهای وام وجود داشته ایفا کرده است.

شرکتهای زمزم ادعا می نمایند که حال کردن وامها توسط خواهان قانونی نبوده، چه خواهان طبق شرایط قراردادهای وام اطلاعیه نداده است. شرکتهای مذکور، به ویژه اظهار می نمایند که نامه های مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۸) مبنی بر حال کردن وامها به شرکتهای زمزم در ایران فرستاده نشده، بلکه به ایرج ثابت در پاریس ارسال گردیده است. نامبردگان، همچنین می گویند که خواهان ثابت نکرده است که ایرج ثابت رسیدههای پستی این نامه ها را امضا کرده و نامه ها واقعا توسط شرکتهای زمزم در ایران دریافت شده و در پاکتهایی که رسید بابت آن داده شده، جای داشته است.

بند ۸ هر یک از قرارداد های وام مقرر می دارد که چنانچه شرکت وام گیرنده یا هر شرکت دیگر زمزم هریک از شرایط موافقت نامه را نقض کند:

"آنگاه، در آن صورت مبلغ اصل پرداخت نشده سفته فوراً و پس از اخطار کتبی توسط پست سفارشی به [شرکت زمزم] وام گیرنده که به وسیله تلکس تایید شده باشد، قابل پرداخت و سررسید می شود، بدون اینکه نیاز به ارائه تقاضا، اعتراض یا اطلاعیه دیگری از هر نوع باشد، که همگی به این وسیله صریحاً اسقاط می شود."

همچنین بند ۶ کلیه قراردادهای وام مقرر می دارد:

" اطلاعیه های مربوط به وام، ظرف ده (۱۰) روز پس از ارسال آنها کتیباً و توسط پست سفارشی برای طرف دیگر و تایید آنها به وسیله تلکس اعتبار خواهد یافت."

دیوان داوری براین نظر است که خواهان شرایط مربوط به تسلیم اطلاعیه را ایفا نموده

است. پیش از هر چیز، شرایط یاد شده مقرر نمی دارند که اطلاعیه به شرکتهای زمزم در ایران فرستاده شود. به عکس، دیوان داوری ملاحظه می نماید که تحت قوانین نیویورک، که حاکم بر موافقت نامه های وام بوده، اطلاعیه به یک مقام اداری عالی رتبه شرکت، در حکم اطلاعیه قانونی به شرکت است. رجوع شود، فی المثل به:

Schoenbaum V. Firstbrook, 405 F. 2d (2d Cir 1968); N.Y. Civ. Proc. Law Section 311.1.

دیوان، مضافاً خاطر نشان می سازد که ایرج ثابت، یعنی شخصی که به عنوان رئیس هیات مدیره، کلیه سفته‌ها را امضاء کرده، ظاهراً تا ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۸)، همچنان در سمت رئیس هیات مدیره هر شرکت زمزم انجام وظیفه می کرده و لذا، به نظر دیوان، حق دریافت اطلاعیه قانونی، از جانب هر شرکت را داشته است. اولین نشانه موجود در سوابق که حاکی از به دست گرفتن صریح کنترل شرکتهای زمزم توسط بنیاد مستضعفان باشد، نامه مورخ ۶ مه ۱۹۷۹ (۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) دادستان کل دادگاه انقلاب اسلامی به مدیر بنیاد است که در قسمت ۲ (ج) بالا بدان اشاره شد. تا این تاریخ مدرکی در دست نیست که نشان دهد ایرج ثابت از مدیران شرکتهای زمزم نبوده است. در واقع، خواندگان ادعا نکرده‌اند که ایرج ثابت در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۸) دیگر از مدیران شرکتهای زمزم نبوده است. قبضهای رسید پست سفارشی که به عنوان مدرک ارائه شده، حاکی از تحویل نامه‌ها به نشانیهای ایرج ثابت در پاریس و نیویورک بوده و دیوان دلیلی در دست ندارد که شک کند که قبوض رسید مزبور، آنطور که خواهان اظهار می دارد، مربوط به اطلاعیه‌های حال کردن وامها بوده است. بنابراین، با در نظر گرفتن تمامی سوابق موجود، دیوان داوری قانع شده است که خواهان طبق شرایط قراردادهای وام در مورد تسلیم اطلاعیه، اطلاعیه لازم به ایرج ثابت داده و شخص اخیرالذکر اطلاعیه را دریافت نموده و حق

داشته که از جانب شرکتهای زمزم چنین اطلاعیه هایی را دریافت کند.

براساس مراتب پیش گفته، دیوان نتیجه می گیرد که خواهان دلایل کافی جهت حال کردن سررسید هر یک از سفته ها داشته و این کار به نحو قانونی در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۸) صورت گرفت و لذا سررسید کلیه سفته ها به تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ (دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تغییر یافت. بنابراین، ادعای خواهان جهت پرداخت سفته ها، طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) پا برجا بوده است.

### ۳ - اصل دعوی

#### الف - ادعا بابت حسابهای دریافتنی

ادعای مطروحه علیه شرکتهای زمزم خریدار بابت قیمت محمولات عصاره، مبتنی است بر خرید این کالا توسط شرکتهای یاد شده و حمل و تحویل آن به نامبردگان. خواهان از هریک از شرکتهای زمزم خریدار مبلغ پرداخت نشده بابت قیمت محمولات ارسالی به آن شرکت را مطالبه می کند. رویه ارسال عصاره و پرداخت بابت آن، به ترتیبی که خواهان شرح داده و مورد ایراد شرکتهای زمزم واقع نشده، به شرح زیر بوده است. هریک از شرکتهای پیپی کو پس از دریافت سفارش خرید از شرکت زمزم، یک فقره صورتحساب، یک برات و اسناد دیگری را تنظیم می کرد. نامبرده بارنامه ای را که پس از تحویل عصاره به بندر مبدا از حمل کننده کالا دریافت می کرد، همراه با صورتحساب و برات به بانک کارگزار خود تسلیم، و ضمناً به وی دستور می داد که آن اسناد را جهت اعلام قبولی و وصول مبلغ آن، به بانک صادرات ارسال نماید.

گرچه خواهان به این براتها به عنوان مدرک مبالغ مورد ادعا و تاریخهای پرداخت آنها، استناد می کند، با اینحال ادعایش را نه براساس براتها، بلکه براساس سفارشات خرید و حمل عصاره و دریافت آن توسط شرکت زمزم خریدار استوار می سازد. همانطور که قبلاً اشاره شد، در طول رسیدگیهای شفاهی، نماینده شرکت های زمزم تایید کرد که در مورد دریافت عصاره اختلافی نیست، بلکه اختلاف فقط بر سر قیمتی است که باید پرداخت شود. بنابراین، انکار قبولی این براتها توسط شرکت های زمزم ربطی به اساس این ادعا ندارد. خواهان، در رابطه با محمولاتی که بهای آنها مطالبه می کند، رونوشت سفارش خرید، پذیرش آن سفارش، صورتحساب، برات تنظیمی به نام شرکت زمزم مربوطه، همراه با دستورات داده شده به بانک، اوراق حاوی ریز اقلام صورتحساب و رونوشت بارنامه ها را ارائه نموده است. با اینکه مدارک مذکور در مورد یکایک محموله ها کامل نیست، مع الوصف شامل اکثر موارد می شود. خواهان، به عنوان مدرک دیگر مبالغ مورد ادعا، استناد به نامه های مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) می نماید که خطاب به شرکت های زمزم وام گیرنده بوده و به ایرج ثابت در پاریس فرستاده شده و در آنها مطالبه پرداخت مبالغ لازم التادیه جهت محمولات عصاره به عمل آمده است. شرکت های زمزم قبولی هرگونه براتی را انکار نموده و اظهار می دارند که نامه های مورخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۸) که به ایرج ثابت در پاریس ارسال گردیده، توسط شرکت های زمزم در ایران دریافت نشده است. غیر از انکار مطالب فوق و طرح ادعای متقابل جهت گرانفروشی، نامبردگان هیچ یک از جزئیات اسناد و مدارک خواهان راجع به حسابهای دریافتنی را مورد بحث قرار نداده اند.

بعلاوه مکاتبات موجود حاکی است که شرکت های زمزم خریدار، تعهد خود به پرداخت بابت عصاره را قبول کرده بودند. آقای طباطبائی، که به شرح مذکور فوق، در آن زمان نماینده مجاز شرکت های زمزم بود، در نامه مورخ ۱۵ ژانویه ۱۹۸۰ (۲۵ دی ماه ۱۳۵۸) خطاب به پیسی کو چنین نوشت:

"پیرو مذاکرات ما راجع به دیون و بدهیهای فیما بین پیسی کو اینک و شرکتهای نوشابه سازی زمزم، اعلام می دارد: اینجانب، به عنوان مدیر عامل شرکتهای نوشابه سازی زمزم، به طور اصولی تعهد شرکت زمزم مبنی بر بازپرداخت بخش مربوط به عصاره وامها، به مبلغ تقریبی ۳/۵ میلیون دلار را می پذیرم."

دیوان داوری براین نظر است که نامه مزبور، بعنوان یک مکاتبه عادی تجاری مبنی بر تصدیق وضعیت فعلی حسابهای بوده قابل قبول است، و برخلاف آنچه که شرکتهای زمزم استدلال می کنند پیشنهاد حل و فصل نیست که دیوان باید آنرا نادیده بگیرد (۴).

دیوان داوری، براساس این مدرک و اسناد حسابهای دریافتنی که در بالا شرح آن رفت، متقاعد شده است که شرکتهای پیسی کو، به شرح مذکور در ادعای به شرکتهای زمزم عصاره فروخته و تحویل داده اند. علاوه براین، دیوان نتیجه می گیرد که شرکتهای زمزم خریدار به قدر کافی راجع به این ادعایشان توضیح نداده، و یا آنرا ثابت نکرده اند که به هر صورت نمی توانستند، به دلیل اینکه دستور اجرایی شماره ۱۲۱۷۰ ریاست جمهوری ایالات متحده، از نظر دسترسی به دلار امریکا شرایط فورس ماژوری ایجاد کرده بوده، وجهی بابت عصاره پرداخت نمایند.

#### یک ( قیمت عصاره )

دیوان داوری هیچ دلیل و مدرکی در پرونده نیافته که گرانفروشی توسط خواهان را ثابت کند. دیوان ملاحظه می نماید که سالها قیمت ۳۱۰ دلار بابت هر واحد، مورد قبول شرکتهای زمزم بوده است. هنگامی که شرکتهای خریدار، پس از انقلاب اسلامی تحت مدیریت جدید قرار گرفتند، ظاهراً "اصراری وجود داشت که قیمت هر واحد به ۱۵۵ دلار

---

(۴) به عکس، دیوان براین نظر است که صورتجلسه مورخ ۶ سپتامبر ۱۹۸۱ (۱۵ شهریور ماه ۱۳۶۰) و نامه بعدی مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۸۱ (۲۲ مهر ماه ۱۳۶۰) خواهان، که هر دو توسط شرکتهای زمزم ارائه گردیده، حاوی شرایط مذاکرات حل و فصل بوده و لذا به عنوان مدرک قابل قبول نیست.

کاهش یابد. این واقعیت که خواهان در آن وقت قیمت را کاهش داد، دال بر آن نیست که قیمت قبلی، قیمت عادلانه بازار نبوده است. دیوان داوری این توضیح پرسی کو را مدیریت جدیدی قرار گرفتند، ظاهراً "اصراری وجود داشت که قیمت هر واحد به ۱۵۵ دلار می‌پذیرد که وی این تصمیم تجاری را بخاطر این اتخاذ کرد که کالای خود را عجلتاً به قیمت نازلتری بفروشد، زیرا شق دیگر در اوضاع و احوال جاری آن زمان از دست دادن بازاری بود که در طول مدتی طولانی ایجاد کرده بود. دیوان، همچنین این استدلال خوانندگان را متقاعد کننده نمی‌یابد که این واقعیت که در صورتحسابهای تنظیمی بابت فروشهای بعد از انقلاب به قیمت ۱۵۵ دلار برای هر واحد، ذکر شده است که قیمت ۱۵۵ دلار معادل "ارزش عادلانه صادراتی بازار" است، حاکی از آنست که رقم ۳۱۰ دلار در فروشهای قبلی، در حکم گران فروشی بوده است. عبارات مندرج در صورتحسابهای حاوی رقم ۱۵۵ دلار صحیح، و مبین تغییر شرایط بازار در هنگام وقوع آن فروشها بوده است. بالاخره، دیوان در تایید این ادعاها که خواهان دست به اعمال تجاری غیرمنصفانه‌ای زده، اصول انصاف تجاری بین المللی را نقض کرده و یا به بلاجهت دارا شده است، هیچگونه دلیل و مدرکی در سوابق موجود نزد خویش نمی‌یابد.

#### دو (مبالغ لازم التادیه بابت عصاره

از مراتب بالا این نتیجه حاصل می‌شود که قیمت‌های عصاره‌ای که در صورتحسابهای خواهان و براتها قید شده، غیرمعقول نبوده، و مبین مبالغی است که واقعا لازم التادیه می‌باشد. خواهان، شرح تفکیکی زیر را در مورد کل قیمت محمولات ارسالی به هر شرکت زمزم خریدار، ارائه کرده است :

زمزم آذربایجان	۲۴۸،۰۰۰ دلار
زمزم شرق تهران	" ۲۱۷،۰۰۰
زمزم اصفهان	" ۱۲۴،۰۰۰

" ۳۱،۰۰۰	زمزم گرگان
" ۱۵۵،۰۰۰	زمزم کرمانشاه
" ۳۱۰،۰۰۰	زمزم خوزستان
" ۱۸۶،۰۰۰	زمزم مشهد
" ۲۴۸،۰۰۰	زمزم رشت
" ۵۵۸،۰۰۰	زمزم شیراز
" ۱،۰۲۷۱،۰۰۰	زمزم تهران
	<hr/>
۳،۳۴۸،۰۰۰ دلار	جمع

سه ( بهره )

خواهان بهره مبالغ دریافتنی بالا را از تاریخ سررسید مشخص آنها مطالبه می نماید. در قراردادهای نمایندگی، پرداخت بلافاصله به محض تحویل، یا طبق شرایط دیگری که خواهان مشخص نماید مقرر گردیده است. گرچه براتها و قراردادهای نمایندگی حاوی شرطی در مورد بهره نیست، معینا دیوان، طبق رویه عمل خود، دلیلی برای عدم پرداخت بهره نمی بیند. دیوان، همچنین، بر این نظر است که سررسیدهای تعیین شده باید اعمال گردند. دیوان داوری حکم به پرداخت بهره ساده به خواهان به نرخ ۱۰ درصد در سال را منطقی می یابد. لذا بهره قیمت هر محموله، به نرخ ۱۰ درصد در سال از سررسید آن تا ۱۹ مه ۱۹۷۹ (۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)، که روز ماقبل آخرین سررسید است، محاسبه خواهد شد. از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزارامانی دستور پرداخت از حساب تأمین را به بانک امین بدهد، مبلغ بهره بنرخ ۱۰ درصد در سال بابت کل اصل لازم التادیه توسط هر شرکت زمزم، محاسبه می گردد.



ب) ادعای بازپرداخت وامها

خواهان بابت وامهای اعطایی به شرکتهای زمزم وام گیرنده، از هر یک مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار (جمعا ۶،۵۰۰،۰۰۰ دلار) خواستار است. همانطور که در قسمت ۲ (ه) بالا اشاره شد، دیوان داوری نتیجه گرفته است که خواهان جهت حال کردن وامها در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۷۹ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۵۸) طبق قرارداد اصلی دلیل داشته، و در تاریخ یاد شده صحیحا اقدام به این کار کرده و لذا کلیه سفته ها در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ (دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) حال و لازم التادیه گردیده است. علاوه براین، اختلافی نیست که مبلغ هر سفته ۶۵۰،۰۰۰ دلار بوده است.

معذک، شرکتهای زمزم اظهار می دارند که حتی به فرض قانونی بودن عمل حال کردن و رعایت شرایط قرارداد اصلی و قراردادهای وام، ادعای بازپرداخت وامها باید مردود شناخته شود. استدلال اصلی شرکتهای زمزم اینست که وامها در واقع وام شخصی به خانواده ثابت بوده و نه وام به شرکتهای زمزم وام گیرنده، و لذا هیچیک از خواندگان مسئول بازپرداخت آنها نیستند. شرکتهای زمزم استدلالهای متعددی را اقامه می کنند که بنا به اظهار ایشان منجر به این نتیجه گیری می شود که وامهای مورد بحث برای استفاده شخصی خانواده ثابت بوده است. نامبردگان، به ویژه مدعی اند که نص و روح قرارداد اصلی حاکی از ماهیت شخصی وامهاست و افراد خانواده ثابت اجازه و اختیاری از جانب شرکتهای جهت عقد قراردادهای یاد شده نداشته اند، حبیب، ایرج و هرمز ثابت قرارداد اصلی را فقط به عنوان ضامن امضا کردند و نه از جانب شرکتهای وامها در دفاتر شرکتهای وام گیرنده ثبت نشده، عواید وام هرگز به دست شرکتهای نرسیده، بلکه به شرکت زمزم مرکزی پرداخت شده که خواننده پرونده حاضر نیست و در سال ۱۹۷۸ منحل گردیده، طبق قرارداد اصلی، قسمتهائی از وجوه وام به دو شرکت دیگر متعلق به افراد خانواده ثابت جهت پرداخت برخی دیون، منتقل شده، و بالاخره اینکه خواهان، به منظور

استرداد وامها نامبردگان را در دادگاه ایالات متحده تحت تعقیب قرارداد، لیکن بعداً با موافقت ایشان دعوایش را پس گرفت. بنا به اظهار شرکتهای زمزم، مجموعه استدلالات مزبور، دلالت بر وجود "توطئه" بین پیسی کو و افراد خانواده ثابت دارد.

خواهان استدلال می کند که وامها صرفاً به شرکتهای زمزم وام گیرنده داده شده است. نامبرده، به عنوان مدرک تعدادی تلکس به تاریخهای در فاصله ۲۸ مارس ۱۹۷۷ (۸ فروردین ماه ۱۳۵۶) و ۱۶ ژوئن ۱۹۷۷ (۲۶ خرداد ماه ۱۳۵۶) ارائه نموده که حاکی است هیات مدیره هریک از شرکتهای زمزم تصویب نامه هائی صادر کرد که به شرکتهای اجازه تحصیل وام از خواهان، و به ایرج ثابت، به عنوان رئیس هیات مدیره هر شرکت، اجازه امضای قراردادهای وام از جانب هر شرکت را، می داد. به ویژه، خواهان تلکسی به تاریخ ۲۴ مه ۱۹۷۷ (۳ خرداد ماه ۱۳۵۶) از جانب مشاور حقوقی پیسی کو به مشاور منطقه‌ای پیسی کو، ارائه نموده که در آن قید شده که چنین تصویب نامه‌ای امضاء شده توسط کلیه شرکتهای همراه با قراردادهای امضاء شده و سایر مدارک ذیربط به نحو مقتضی دریافت گردید. تلکسهای مذکور، همچنین حاکیست که تصویب نامه ها و سایر اسناد و مدارک، در ژوئن ۱۹۷۷ در صندوق خواهان در تهران نگهداری می شد. معهذاً، خواهان اظهار می دارد که از زمان انقلاب اسلامی به بعد به این اسناد دسترسی نداشته است. علاوه براین، خواهان استدلال می کند که وامها به شرکتهای زمزم وام گیرنده اعطاء شده که متعهدین اصلی بودند، و طبق قوانین ذیربط نیویورک، حبیب، ایرج و هرمز ثابت فقط با قبول تعهد ثانوی وامها را تضمین کردند. بعلاوه، خواهان سوگند نامه ای از جانب شریک و مدیر سابق کوپرز اند لیبراند ایران تسلیم نموده مبنی بر اینکه وام در دفاتر یکی از شرکتهایی که توسط موسسه مزبور حسابرسی شد، یعنی شرکت نوشابه سازی زمزم شرق تهران، ثبت گردیده و وی از اعطای وام مشابهی به سایر شرکتهای زمزم به مبلغ کل ۶،۵۰۰،۰۰۰ دلار آگاهی داشته است. خواهان، مضافاً اسناد متعددی تسلیم نموده حاکی از اینکه از ۲ ژوئن ۱۹۷۷ تا دوم اوت ۱۹۷۷

(۱۲ خرداد تا ۱۱ مرداد ماه ۱۳۵۶) نامبرده جمعا مبلغ ۶،۵۰۰،۰۰۰ دلار از حساب خویش در درسدر بنک نیویورک به حساب بانک صادرات ایران نزد چیس منهاتن بنک منتقل ساخته و به بانک صادرات دستور داده که مبلغ مذکور را به طور متساوی در حسابهایی که مشخصا برای هر شرکت وام گیرنده زمزم تعیین شده واریز نماید. خواهان، همچنین اظهار می دارد که هیچ وامی به شرکت زمزم مرکزی اعطا نشده، و هیچ مدرکی دال بر وجود چنین وامی ارائه نشده، و به هر صورت شرکت زمزم مرکزی خواننده پرونده حاضر نیست. خواهان استدلال می کند که مصرف قسمتهائی از وجوه وام جهت پرداخت دیون شرکتهای زمزم وام گیرنده به دو شرکتی که نیز متعلق به افراد خانواده ثابت بودند، در قراردادهای پیش بینی شده و به هیچ وجه به وامها جنبه وامهای شخصی نمی دهد. بالاخره، در رابطه با دعوی مطروحه خواهان علیه اعضاء خانواده ثابت در ایالات متحده، خواهان اظهار می دارد که علت استرداد این دعوی این بود که نامبرده متوجه شد که از افراد خانواده ثابت دارایی ای در ایالات متحده موجود نیست، و امضای ایشان برای تحصیل قرار خاتمه دعوی، بدون لطمه به حقوق طرفین، لازم بود. معهذا، خواهان با طرح دعوی علیه ضامنین وامها، از حق خود در تعقیب ده شرکت زمزم وام گیرنده به عنوان متعهدین اصلی وامها صرفنظر نکرده است.

دیوان داوری، بر مبنای ادله مشروحه فوق و سوابق پرونده نتیجه می گیرد که وامهای خواهان به هر یک از شرکتهای زمزم وام گیرنده، واقعا به شرکتهای یاد شده داده شده است. دیوان ادله و مدارک کافی در تایید این ادعا در دست ندارد که وامهای مورد بحث، که حسب ظاهر اسناد، وامهای شرکتی بوده، در واقع وامهای شخصی به اعضای خانواده ثابت می باشد. علاوه براین، دیوان دلیل و مدرکی در تایید ادعای وجود "توطئه" بین خواهان و اعضاء خانواده ثابت در رابطه با وامهای مذکور، در دست ندارد.

شرکتهای زمزم، همچنین استدلال می کنند که قراردادهای وام دارای نواقص فنی

است، و لذا آنان مسئول بازپرداخت وامها نیستند. شرکتهای یاد شده، به ویژه استدلال می نمایند که نمی توانند، متعهد به این قراردادها شناخته شوند، زیرا قراردادهای برخلاف اساسنامه های شرکتهای، به جای اینکه به امضای دو شخص دارای حق امضا برسد فقط به امضای یکی از مدیران رسیده و نیز فاقد اجازه و اختیار لازم از جانب هیات مدیره و مهر شرکت هاست. شرکتهای زمزم، مضافاً استدلال می نمایند که سفته ها فقط به امضای ایرج ثابت، به عنوان شخص وی، رسیده و طبق "کنوانسیون مورخ ۷ ژوئن ۱۹۳۰ (۱۷ خرداد ماه ۱۳۰۹) (ژنو در مورد قانون) واحد ناظر بر بروات و سفته ها". فقط علیه شخصی وی می توان طرح دعوی نمود. و بالاخره شرکتهای زمزم اظهار می دارند که سفته ها وخواست نشده بودند.

خواهان منکر آنست که در انعقاد قراردادها نواقص فنی وجود داشته است. همانطور که در بالا شرح داده شد، خواهان به عنوان مدرک، تعدادی تلکس تسلیم داشته مبنی براینکه هیات مدیره هر شرکت وام را تصویب کرده و به ایرج ثابت اجازه و اختیار امضای قراردادها را از جانب آن شرکت تفویض نموده است. خواهان استدلال می کند که حتی اگر چنین تایید و اجازه ای صادر نشده بود، طبق قوانین نیویورک و همچنین قوانین ایران و اصول کلی حقوقی، ایرج ثابت برای متعهد ساختن شرکتهای دارای اجازه آشکار بوده است. خواهان، همچنین استدلال می کند که فقدان مهر شرکتهای زمزم در این قراردادها، طبق قوانین نیویورک و قوانین اکثر کشورهای امروزی موضوع بی ربطی است. در رابطه با کنوانسیون ژنو، خواهان متذکر می شود که کنوانسیون یاد شده، نه توسط ایران و نه توسط ایالات متحده هیچکدام، تصویب نشده، لذا قابل استناد نبوده و ارتباطی به موضوع ندارد. خواهان، همچنین خاطر نشان می سازد که بند ۸ قراردادهای وام که شرح آن در بالا رفت، صریحاً "نیاز به" ارائه تقاضا، اعتراض یا هر نوع اطلاعیه دیگری"، پس از حال شدن سفته ها را، ساقط ساخته است. بالاخره، طبق استدلال خواهان، حتی اگر در عقد قراردادهای مورد بحث نواقص فنی وجود داشته، باز

شرکتهای زمزم طبق نظریه تنفیذ متعهد وامها شناخته می شوند، چه شرکتهای مزبور وامها را پذیرفته و از آنها منتفع گردیده اند.

دیوان داوری قانع شده است که قراردادها اسنادی صحیح و قانونا قابل اجرا می باشند. خواندگان ادله و مدارک کافی، ارائه نداده اند که نشان دهد قراردادهای مذکور بنحو نادرستی منعقد شده و یا به هر نحو دیگر از لحاظ تحریر و یا اجرا باطل بوده است. حتی اگر در انعقاد قراردادها چنین نواقصی وجود داشته، شرکتهای زمزم با دریافت، و انتفاع از وجوه وام در واقع قراردادها را تنفیذ کرده اند. رجوع شود به: پامروی و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۳-۴۰-۵۰، ص ۱۳ (۸ ژوئن ۱۹۸۳/۱۸ خرداد ماه ۱۳۶۲) ("هم یک اصل کلی حقوقی و هم اصل مندرج در مواد ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون مدنی ایران مشعر بر این است که اگر قراردادی به وکالت از جانب یک طرف توسط شخص دیگری منعقد گردد و طرف مزبور با فعل خود، بعداً بدان رضایت دهد، دیگر نمی تواند منکر اعتبار و نفاذ آن قرارداد شود"). از این رو، دیوان دفاع مزبور را مردود می شناسد.

برمبنای مراتب بالا و سوابق پرونده، دیوان داوری مدافعات خواندگان در رابطه با اصل دعوای خواهان جهت استرداد وامها را، مردود می شناسد. بنابراین، دیوان نتیجه می گیرد که خواهان استحقاق بازپرداخت اصل وام به مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار، از هر شرکت زمزم وام گیرنده را دارد.

دیوان همچنین مقرر می دارد که از تاریخ صدور این حکم، خواهان متعهد است اصل سفته‌ای را که ایرج ثابت در تاریخ ۱۵ مه ۱۹۷۷ (۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶) از جانب هر شرکت زمزم وام گیرنده امضا نموده، به شرکت مربوطه تحویل دهد.

## یک) بهره

خواهان نسبت به اصل پرداخت نشده وامها خواستار بهره به نرخى است که در بند ۴ هر یک از قراردادهای وام (۵) مقرر شده است. بند ۴ چنین مقرر می دارد:

### "نرخ بهره جریمه‌ای"

هر بخش از اصل این وام که به هنگام سررسید پرداخت نشود، صرفنظر از اینکه وام در سررسید مقرر یا در اثر حال کردن و یا به نحو دیگری قابل پرداخت شده باشد، از تاریخ سررسید تا زمانی که کاملاً تادیه شود مشمول سالی سه (۳) درصد بهره مازاد بر نرخ بهره‌ی پیشنهادی بین بانکی لندن [لیبور] برای سپرده های سه ماهه ارائه می شود خواهد بود و این بهره در فواصل سه ماهه پرداخت خواهد شد. بهره براساس سی (۳۰) روز در ماه در هر دوره‌ای که به آن تعلق می گیرد تقسیم و بر عامل سیصد و شصت (۳۶۰) روز محاسبه خواهد شد."

دیوان داوری، صدور حکم بهره به نرخ قراردادی یاد شده را منطقی می یابد. رجوع شود به: سیلوانیا تکنیکال سیستمز اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰، ص ۳۱ (انگلیسی) (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵/۶ تیر ماه ۱۳۶۴). دیوان، همچنین خاطر نشان می سازد که خوانندگان استدلالی مبنی بر عدم اعمال نرخ مزبور ارائه نداده‌اند. نظر دیوان اینست که بهره باید از تاریخی که این وامها حال و قابل استرداد شدند، یعنی ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ (۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخ حکم حاضر، محاسبه شود.

---

(۵) دیوان داوری ملاحظه می نماید که برطبق بند ۳ هر یک از قراردادهای وام "به این وام بهره تعلق نخواهد گرفت، مگر آنکه در سررسید معین پرداخت نشود و یا طبق شرایط مندرج در این سند وام حال گردد".

برای تعیین مبلغ بهره متعلقه به هر وام، طبق شرایط قراردادهای وام، لازم است اول نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن (لیبور) (LIBOR) در مورد سپرده های سه ماهه را اعمال کرد. چنین به نظر می رسد که هر بانکی که نرخ لیبور را پیشنهاد می کند، خود آنرا تعیین نموده و معمولاً "بطور روزانه اعلام می کند. گرچه نرخهای مورد عمل توسط بانکهای مختلف در یک زمان واحد، ظاهراً" مشابه است، با اینحال ممکن است تفاوتهای نسبتاً جزئی بین نرخهای بانکها در یک روز معین وجود داشته باشد. از این رو، برای محاسبه کاملاً دقیق بهره بر مبنای نرخ لیبور، لازم است بدانیم بانکی که نرخ آن باید اعمال شود کدامست. لیکن، قراردادهای وام پرونده حاضر بانکی را که نرخ بهره آن باید مورد عمل قرار گیرد مشخص نمی سازد. ادله و مدارک موجود نزد دیوان حاوی نرخهای پیشنهاد شده تا سه ماه آخر منتهی به قبل از جلسه استماع است، لیکن این مدارک فقط ناظر بر یک بانک است و دلیل و مدرکی نیست که طرفین در خصوص اعمال نرخ این بانک خاص توافق کرده باشند. در مورد مدت زمان پس از جلسه استماع پرونده، طرفین هیچگونه نرخی به دیوان ارائه نداده و هیچ مطلبی راجع به بانکی که نرخ آن باید اعمال شود، نگفته اند.

بنابراین، از آنجا که ادله و مدارک برای محاسبه میزان دقیق بهره متعلقه به هر وام کافی نیست، لذا دیوان صدور حکم به پرداخت بهره را با محاسبه بر مبنای نرخهای لیبوری که به صلاحدید خود انتخاب کند، منطقی می داند. رجوع شود به: ایکانامی فورمز کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۱۶۵-۵۵ ص ۲۲ (انگلیسی) (۱۴ ژوئن ۲۴/۱۹۸۳ خرداد ماه ۱۳۶۲). چاپ مجدد در C.T.R. 42,53 3 Iran-U.S. براساس فوق، دیوان نتیجه می گیرد بهره ای که بابت هر وام از تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۹ (دهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخ حکم حاضر باید پرداخت شود مبلغ ۷۲۰،۰۰۰ دلار است.

#### ۴ - ادعای متقابل

با توجه به این نتیجه گیری که خواهان در مورد قیمت‌های خود بابت عصاره تحویلی به شرکتهای زمزم اجحاف نکرده، دیوان برای ادعای شرکتهای زمزم جهت بازپرداخت اضافه دریافتی های ادعایی مبنایی نمی یابد. نظر به این نتیجه گیری، دیوان لزومی به پرداختن به مسایل صلاحیتی در رابطه با ادعای متقابل، نمی بیند. لذا دیوان ادعای متقابل را مردود می شمارد.

#### ۵ - ادعاهای علیه دولت ایران و بنیاد مستضعفان

با توجه به این نتیجه گیری که ده شرکت زمزم خریدار، متعهد پرداخت قیمت عصاره و ده شرکت زمزم وام گیرنده متعهد بازپرداخت وامها هستند، و نظر به این واقعیت که تعهدات مزبور با پرداخت از محل حساب تأمینى مفتوح طبق بیانیه های الجزیره ایفا خواهد شد، ضرورتی ندارد که دیوان تصمیمی در این مورد اتخاذ نماید که آیا دولت جمهوری اسلامی ایران و بنیاد مستضعفان نیز مسئول هستند یا نه.

#### ۶ - هزینه ها

دیوان براین نظر است که شرکتهای زمزم باید جمعا مبلغ ۲۵،۰۰۰ دلار امریکا بابت هزینه‌های معقول دآوری به خواهان بپردازند.

#### سوم - حکم

به دلایل پیش گفته،



دیوان به شرح زیر حکم صادر می کند:

الف) خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم آذربایجان متعهد است که مبلغ یک میلیون و ششصد و سی و سه هزار و یکصد و پنجاه و یک دلار امریکا و هفتاد و هشت سنت (۱،۶۳۳،۱۵۱/۷۸ دلار) به خواهان پیسی کو، بپردازد. این مبلغ مشتمل است بر: (یک) مبلغ ۲۴۸،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی، به اضافه ۱۵،۱۵۱/۷۸ دلار بهره ساده لغایت ۱۹ مه ۱۹۷۹ (۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و، (دو) مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به بازپرداخت وام، به اضافه ۷۲۰،۰۰۰ دلار بهره. خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم آذربایجان مضافاً متعهد است بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۲۴۸،۰۰۰ دلار، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تأمین بابت ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی را به بانک امین بدهد، به خواهان پیسی کو، بپردازد.

ب) خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم شرق تهران متعهد است که مبلغ یک میلیون و پانصد و نود و یک هزار و هفتصد و بیست و دو دلار امریکا و بیست سنت (۱،۵۹۱،۷۲۲/۲۰ دلار) به خواهان پیسی کو، بپردازد. این مبلغ مشتمل است بر: (یک) مبلغ ۲۱۷،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی، به اضافه ۴،۷۲۲/۲۰ دلار بهره ساده لغایت ۱۹ مه ۱۹۷۹ (۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و، (دو) مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به بازپرداخت وام، به اضافه ۷۲۰،۰۰۰ دلار بهره. خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم شرق تهران، مضافاً متعهد است بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۲۱۷،۰۰۰ دلار، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹

(۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تامینی بابت ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی را به بانک امین بدهد، به خواهان پیسی کو، پردازد.

ج ( خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم اصفهان متعهد است که مبلغ یک میلیون و چهارصد و نود و چهار هزار دلار امریکا (۱،۴۹۴،۰۰۰ دلار) به خواهان پیسی کو، پردازد. این مبلغ مشتمل است بر: (یک) مبلغ ۱۲۴،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی، و، (دو) مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به بازپرداخت وام، به اضافه ۷۲۰،۰۰۰ دلار بهره. خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم اصفهان مضافاً متعهد است بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۱۲۴،۰۰۰ دلار، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تامینی بابت ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی را به بانک امین بدهد، به خواهان پیسی کو، پردازد.

د ( خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم گرگان متعهد است که مبلغ یک میلیون و چهارصد و یک هزار و شصت و شصت و دو دلار امریکا و چهل و هفت سنت (۱،۴۰۱،۶۶۲/۴۷ دلار) به خواهان پیسی کو، پردازد. این مبلغ مشتمل است بر: (یک) مبلغ ۳۱،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی، به اضافه ۶۶۲/۴۷ دلار بهره ساده لغایت ۱۹ مه ۱۹۷۹ (۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و، (دو) مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به بازپرداخت وام، به اضافه ۷۲۰،۰۰۰ دلار بهره. خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم گرگان مضافاً متعهد است بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۳۱،۰۰۰ دلار، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸)

تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تامینی بابت ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی را به بانک امین بدهد، به خواهان پیسی کو، بپردازد.

هـ) خواننده شرکت نوشابه سازی کرمان متعهد است مبلغ یک میلیون و سیصد و هفتاد هزار دلار آمریکا (۱،۳۷۰،۰۰۰ دلار تمام) بابت ادعای مربوط به بازپرداخت وام به خواهان پیسی کو، بپردازد. این رقم شامل ۶۵۰،۰۰۰ دلار اصل به اضافه ۷۲۰،۰۰۰ دلار بهره است.

و) خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم کرمانشاه متعهد است که مبلغ یک میلیون و پانصد و بیست و نه هزار و هشتصد و هفت دلار آمریکا و هفده سنت (۱،۵۲۹،۸۰۷/۱۷ دلار) به خواهان پیسی کو، بپردازد. این مبلغ مشتمل است بر: (یک) مبلغ ۱۵۵،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی، به اضافه ۴،۸۰۷/۱۷ دلار بهره ساده لغایت ۱۹ مه ۱۹۷۹ (۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و، (دو) مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به بازپرداخت وام، به اضافه ۷۲۰،۰۰۰ دلار بهره. خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم کرمانشاه مضافاً متعهد است بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۱۵۵،۰۰۰ دلار، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تامینی بابت ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی را به بانک امین بدهد، به خواهان پیسی کو، بپردازد.

ز) خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم خوزستان متعهد است که مبلغ یک میلیون و ششصد و هشتاد و پنج هزار و ده دلار آمریکا و نود و شش سنت

(۱۰/۹۶/۱،۶۸۵،۰۰۰ دلار) به خواهان پیسی کو، پردازد. این مبلغ مشتمل است بر: (یک) مبلغ ۳۱۰،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به حسابهای دریافتی، به اضافه ۵،۰۱۰/۹۶ دلار بهره ساده لغایت ۱۹ مه ۱۹۷۹ (۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و، (دو) مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به بازپرداخت وام، به اضافه ۷۲۰،۰۰۰ دلار بهره. خوانده شرکت نوشابه سازی زمزم خوزستان مضافاً متعهد است بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۳۱۰،۰۰۰ دلار، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تامینی بابت ادعای مربوط به حسابهای دریافتی را به بانک امین بدهد، به خواهان پیسی کو، پردازد.

ح) خوانده شرکت نوشابه سازی زمزم مشهد متعهد است که مبلغ یک میلیون و پانصد و شصت و دو هزار و چهارصد و سی و هفت دلار آمریکا و هشتاد و دو سنت (۸۲/۴۳۷،۵۶۲،۰۰۰ دلار) به خواهان پیسی کو، پردازد. این مبلغ مشتمل است بر: (یک) مبلغ ۱۸۶،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به حسابهای دریافتی، به اضافه ۶،۴۳۷/۸۲ دلار بهره ساده لغایت ۱۹ مه ۱۹۷۹ (۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و، (دو) مبلغ ۶۵۰،۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به بازپرداخت وام، به اضافه ۷۲۰،۰۰۰ دلار بهره. خوانده شرکت نوشابه سازی زمزم مشهد، مضافاً متعهد است بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۱۸۶،۰۰۰ دلار، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تامینی بابت ادعای مربوط به حسابهای دریافتی را به بانک امین بدهد، به خواهان پیسی کو، پردازد.

ط) خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم رشت متعهد است که مبلغ یک میلیون و ششصد و بیست و هفت هزار و چهارصد و نود و پنج دلار آمریکا و سی و چهار سنت (۱,۶۲۷,۴۹۵/۳۴ دلار) به خواهان پیسی کو، بپردازد. این مبلغ مشتمل است بر: (یک) مبلغ ۲۴۸,۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی، به اضافه ۹,۴۹۵/۳۴ دلار بهره ساده لغایت ۱۹ مه ۱۹۷۹ (۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و، (دو) مبلغ ۶۵۰,۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به بازپرداخت وام، به اضافه ۷۲۰,۰۰۰ دلار بهره. خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم رشت مضافاً متعهد است بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۲۴۸,۰۰۰ دلار، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تامینی بابت ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی را به بانک امین بدهد، به خواهان پیسی کو، بپردازد.

ی) خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم شیراز متعهد است که مبلغ یک میلیون و نهصد و چهل و شش هزار و نهصد و هفتاد و سه دلار آمریکا و شصت و نه سنت (۱,۹۴۶,۹۷۳/۶۹ دلار) به خواهان پیسی کو، بپردازد. این مبلغ مشتمل است بر: (یک) مبلغ ۵۵۸,۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی، به اضافه ۱۸,۹۷۳/۶۹ دلار بهره ساده لغایت ۱۹ مه ۱۹۷۹ (۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) و، (دو) مبلغ ۶۵۰,۰۰۰ دلار بابت اصل ادعای مربوط به بازپرداخت وام، به اضافه ۷۲۰,۰۰۰ دلار بهره. خواننده شرکت نوشابه سازی زمزم شیراز مضافاً متعهد است بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۵۵۸,۰۰۰ دلار، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تامینی بابت ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی را به بانک امین بدهد، به خواهان پیسی کو،

بپردازد.

ک ( خوانده شرکت نوشابه سازی زمزم تهران متعهد است که مبلغ یک میلیون و سیصد و سی و نه هزار و یکصد و شصت و شش دلار آمریکا و هشتاد و چهار سنت (۱،۳۳۹،۱۶۶/۸۴ دلار) به خواهان پیسی کو، بپردازد. این مبلغ شامل رقم ۱،۲۷۱،۰۰۰ دلار بابت اصل محکوم به، به اضافه ۶۸،۱۶۶/۸۴ دلار بهره ساده لغایت ۱۹ مه ۱۹۷۹ (۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) می باشد. خوانده شرکت نوشابه سازی زمزم تهران مضافاً "متعهد است بهره ساده به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به مبلغ ۱،۲۷۱،۰۰۰ دلار، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) تا تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت از محل حساب تامینی بابت ادعای مربوط به حسابهای دریافتنی را به بانک امین بدهد، به خواهان پیسی کو، بپردازد.

ل ( خوانندگان شرکت نوشابه سازی زمزم آذربایجان، شرکت نوشابه سازی زمزم شرق تهران، شرکت نوشابه سازی زمزم اصفهان، شرکت نوشابه سازی زمزم گرگان، شرکت نوشابه سازی زمزم کرمانشاه، شرکت نوشابه سازی زمزم خوزستان، شرکت نوشابه سازی زمزم مشهد، شرکت نوشابه سازی زمزم رشت، شرکت نوشابه سازی زمزم شیراز و شرکت نوشابه سازی زمزم تهران متعهدند مبلغ بیست و پنج هزار دلار آمریکا (۲۵،۰۰۰ دلار آمریکا) بابت هزینه‌های داوری، به خواهان پیسی کو، بپردازند.

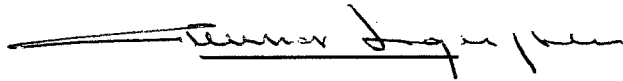
م ( تعهدات فوق با پرداخت از محل حساب تامینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دی ماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، ایفاء خواهد شد.

ن) به خواهان پیسی کو اینک دستور داده می شود که اصل سفته های امضاء شده توسط هر یک از خوانندگان زیر را، که نسخ آن به عنوان ضمیمه شماره ۲۳ تا ۳۲ دادخواست در تاریخ ۳ نوامبر ۱۹۸۱ (۱۲ آبان ماه ۱۳۶۰) توسط خواهان در پرونده حاضر به ثبت رسید، در دفتر دیوان تودیع نماید تا از طریق نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران به هر یک از خوانندگان شرکت نوشابه سازی زمزم آذربایجان، شرکت نوشابه سازی زمزم شرق تهران، شرکت نوشابه سازی زمزم اصفهان، شرکت نوشابه سازی زمزم گرگان، شرکت نوشابه سازی زمزم کرمانشاه، شرکت نوشابه سازی زمزم خوزستان، شرکت نوشابه سازی زمزم مشهد، شرکت نوشابه سازی زمزم رشت، شرکت نوشابه سازی زمزم شیراز و شرکت نوشابه سازی زمزم تهران تحویل گردد و یا اینکه توضیح قانع کننده ای راجع به دلیل عدم امکان تودیع اصل سفته ها به دیوان ارائه دهد.

س) ادعاهای متقابل مردود شناخته می شوند.

ع) بدینوسیله حکم حاضر جهت ابلاغ به کارگزار امانی در رابطه با ادعای حسابهای دریافتی جمعا" به مبلغ کل ۳،۴۸۱،۴۲۸/۲۷ دلار آمریکا به اضافه بهره ساده متعلقه به نرخ ۱۰ درصد در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) نسبت به اصل مبالغ محکوم به مذکور در پاراگرافهای بالا، از تاریخ ۲۰ مه ۱۹۷۹ (۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۸)، به ریاست دیوان دآوری تسلیم می شود. ابلاغ در مورد ادعای بازپرداخت اصل و بهره وامها، جمعا" به مبلغ ۱۳،۷۰۰،۰۰۰ دلار، پس از تایید دیوان دآوری مبنی بر تودیع سفته های مذکور در پاراگراف (ن) بالا نزد دفتر دیوان و یا دریافت توضیح قانع کننده مورد اشاره در همان پاراگراف، برحسب مورد، انجام خواهد شد.

لاهور، به تاريخ يازدهم اکتبر ۱۹۸۶ برابر با ۱۹ مهر ماه ۱۳۶۵



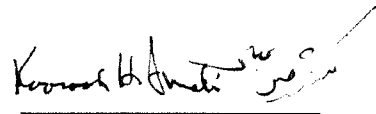
گونار لا گرن

رئيس شعبه يك

بنا م خدا



هوارد ام. هولتزمان



کورش - حسين عاملی

نظريه مخالف

با حکم کا ملا "موافقم" معذالک در مورد اینکه فقط ۲۵،۰۰۰ دلار بابت هزینه‌ها فقط ۱۰ درصد بهره به حسابهای دریافتنی مورد حکم واقع شده موافقت من صرفاً "به لحاظ حصول اکثریت است". رجوع شود به نظریه جداگانه اینجانب در سیلوانیا تکنیکال سیستمز، اینک. و جمهوری اسلامی ایران، حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۸۵/۷ تیر ماه ۱۳۶۴).